



## نویسنده: لوک رایان

نوع تعمید آبی که هر شخص می‌گیرد، دو حقیقت بسیار مهم و حیاتی را مشخص می‌کند:

حقیقت اول:

شخص با درک درستی از ایمان حقیقی و کتاب مقدسی به مسیح ایمان آورده یا نه!

حقیقت دوم:

شخص در ابتدای ایمان، در کلیسای حقیقی و پیرو کلام جاری خداوند قرار گرفته یا نه!



نام کتاب

# تعمید

نویسنده: لوک رایان



انجمن تحقیقات کتاب مقدسی رایان



انتشارات کلیسای خداوند عیسی مسیح

## فهرست مطالب

|    |                                                     |
|----|-----------------------------------------------------|
| ۱  | پیش گفتار:.....                                     |
| ۳  | تعمید چیست؟.....                                    |
| ۴  | انواع تعمید:.....                                   |
| ۶  | شرایط لازم برای غسل تعمید آب:.....                  |
| ۱۰ | شکل صحیح غسل تعمید آب:.....                         |
| ۱۳ | تعمید روح القدس:.....                               |
| ۱۷ | چرا باید تعمید گرفت؟.....                           |
| ۲۸ | شرایط تعمید دهنده:.....                             |
| ۳۲ | شرایط تعمید گیرنده:.....                            |
| ۳۸ | تعمید به نام خداوند عیسی مسیح:.....                 |
| ۴۴ | نام پسر، عیسی:.....                                 |
| ۴۴ | نام پدر، عیسی:.....                                 |
| ۴۵ | نام روح القدس، عیسی:.....                           |
| ۴۶ | رسولان در نام خداوند عیسی مسیح تعمید می دادند:..... |
| ۴۸ | پاسخ به عیب جویان:.....                             |



به نام خدای خدایان، پادشاه پادشاهان، خدای قدیر، خدای مشیر، پدر سرمدی، سرور  
سلامتی، الف و یاء، ابتدا و انتها، اوّل و آخر، او که بود و هست و می آید.  
\* به نام خداوند عیسی مسیح \*

## پیش گفتار:

تعمید آب یکی از سنتهای پایه و لازم‌الاجرا برای تمام کسانی که به خداوند عیسی  
مسیح ایمان می آورند و در زیر نام او قرار می گیرند، می باشد؛ و متعاقباً تعمید روح القدس  
که اعطایی خداوند برای هر فرد مسیحی می باشد، یک ضرورت بنیادی و جنبه حیاتی برای  
هر فرد مسیحی دارد.

نوع تعمید آبی که هر شخص می گیرد، دو حقیقت بسیار مهم و حیاتی را مشخص  
می کند:

✓ حقیقت اوّل: شخص با درک درستی از ایمان حقیقی و کتاب مقدّسی به مسیح  
ایمان آورده یا نه!

✓ حقیقت دوّم: شخص در ابتدای ایمان، در کلیسای حقیقی و پیرو کلام جاری  
خداوند قرار گرفته یا نه!

هر فردی که با آگاهی کامل و ایمان قلبی محکم به مسیح ایمان می آورد، اوّلین  
سنت عملی که برای او واجب و ضروری است تعمید آب می باشد.

از آن جایی که همیشه دسیسه ها و دروغهای ابلیس در طول تاریخ بشری، بر ضد  
نسل آدم در جریان بوده تا بنی آدم را به انحراف و تباهی به سمت هلاکت ابدی بکشاند،  
از همان صدهای اوّل مسیحیت بسیار کوشیده تا شکل و باور صحیح تعمید را نیز به

انحراف ببرد، که تا کنون در این زمینه بسیار موفق بوده، امروزه شاهد وحشتناک‌ترین شکلهای تعمید، در نزد بسیاری از نهادهای کلیسایی هستیم.

در این کتاب قصد داریم تا بدون در نظر گرفتن تمام انحرافات موجود، و تنها با نگرش به کتاب مقدس، به موضوع تعمید از زوایای مختلف پرداخته، و آن چه از ابتدا در نزد مسیحیان صدهٔ اولیه، توسط رسولان برگزیده و شاگردان خداوند عیسی مسیح تعلیم و به انجام می‌رسید، را بررسی کنیم.

## تعمید چیست؟

تعمید از مصدر "عمد" به معنی: قصد کردن کاری، به عمد کاری کردن، آگاهانه عملی انجام دادن، است. لذا وقتی گفته می‌شود که شخصی تعمید گرفته، به آن معنی است که او عمداً و آگاهانه اقدام به انجام عملی نموده و در قبال آن عمل، هیچ زور و اجباری بر او نبوده. آن عمل با تمام دل و خواست شخص صورت گرفته است.

اما وقتی در مسیحیت گفته می‌شود تعمید، به چه مفهوم است؟ تعمید یکی از سنت‌های کتاب مقدسی است که در نزد یهود و مسیحیت جایگاه خاص و مهمی دارد. وقتی در مسیحیت به تعمید اشاره می‌شود، منظور به این سنت است، عبارت درست‌تر آن است که گفته شود: "غسل تعمید"، از آن جهت که به طور خاص با شستن بدن ارتباط دارد.

غسل به معنی: استحمام، تطهیر، شستشوی، طهارت و زدودن هر گونه آلودگی و ناپاکی بدن است. لذا وقتی به سنت غسل تعمید اشاره می‌شود، به طور خاص منظور پاک نمودن و زدودن آلودگی‌های درونی در قالب شستن بدن است، که شخص این عمل را با اختیار و اراده خود انجام می‌دهد. همیشه غسل تعمید با خود، تداعی توبه از گناه و سیاهی را نیز منظور دارد. لذا شخصی که اقدام به غسل تعمید می‌کند، قبل از رفتن در آب برای غسل، در ابتدا لحظاتی به حضور خداوند می‌رود و با توبه پای در آب می‌گذارد.

## انواع تعمید:

به طور کل غسل تعمید بر دو نوع است. در عهد عتیق تنها یک نوع غسل تعمید رایج بود و آن "غسل تعمید آب" بود. اما در عهد جدید علاوه بر آن شکلی دیگر از غسل تعمید ظاهر گردید، که در این نوع، دیگر این فرد نیست که عمداً اقدام به گرفتن تعمید می‌کند، بلکه خود خداوند شخص را به خواست و اراده خود غسل تعمید می‌دهد. شکل این غسل متفاوت است و با آب انجام نمی‌شود، بلکه توسط روح خدا انجام می‌گیرد، از این روی به آن "تعمید روح القدس" گفته می‌شود.

لوقا نویسنده کتاب اعمال رسولان، در ابتدای کتاب خود، شهادتی از زبان خداوند عیسی مسیح، در خصوص این دو نوع تعمید می‌دهد: «زیرا که یحیی به آب تعمید می‌داد، لیکن شما بعد از اندک ایامی، به روح القدس تعمید خواهید یافت» (اعمال رسولان ۱: ۵).  
ایضاً یحیی تعمید دهنده نیز به این دو نوع تعمید اعتراف نمود: «من شما را به آب تعمید دادم. لیکن او شما را به روح القدس تعمید خواهد داد» (مرقس ۱: ۸).

اما نویسنده نامه عبرانیان در نوشته خود صحبت از "تعلیم تعمیدها" نمود: «بنابراین، از کلام ابتدای مسیح در گذشته، به سوی کمال سبقت بجویم و بار دیگر بنیاد توبه از اعمال مرده و ایمان به خدا ننهیم،<sup>۲</sup> و تعلیم تعمیدها و نهادن دستها و قیامت مردگان و داوری جاودانی را» (عبرانیان ۶: ۱ - ۲). آیا منظور از تعلیم تعمیدها، همان دو تعمید آب و تعمید روح القدس است؟

او اشاره به تعلیم تعمیدها کرد، گویی تعمیدهای متعددی وجود داشته. اما به طور قطع منظور او از تعلیم تعمیدها، نمی‌تواند دو نوع غسل تعمید آب و تعمید روح القدس باشد؛ زیرا که تعمید روح القدس آموختنی نیست؛ چرا؟ چون انسان در آن دخیل نمی‌باشد که لازم به آموختن آن باشد. در تعمید روح القدس فقط اراده خداوند لازم است و شکل

آن را هم فقط خداوند است که تعیین می‌کند. پس فقط غسل تعمید آب می‌ماند، و نویسندۀ عبرانیان برای آن تعدادی قائل است.

آیا غسل تعمید آب چندین نوع است؟ حاشا! دقت کنید! چند نوع غسل تعمید آب اشتباه است! غسل تعمید آب فقط یک نوع و یک شکل دارد، و همیشه در طول تاریخ به همان یک شکل انجام شده. اما برای گرفتن غسل تعمید آب بهانه‌های مختلفی می‌تواند وجود داشته باشد. منظور از "تعمیدها" در اصل همین بهانه‌های مختلف است.

مثلاً یحیی تعمید دهنده به جهت آمرزش گناهان "تعمید توبه" می‌داد: «<sup>۴</sup> یحیی تعمید دهنده در بیابان ظاهر شد و به جهت آمرزش گناهان به تعمید توبه موعظه می‌نمود» (مرقس ۱ : ۴). این یک تعمید برای زمان یحیی بود.

پولس رسول نیز در افسس به یک تعمید دیگر اشاره کرده که در آن شخص، اعتراف به نام خداوند عیسی مسیح می‌نماید: «<sup>۱</sup> و چون اُپُلُس در قِرْنُتُس بود، پولس در نواحی بالا گردش کرده، به اَفَسُس رسید. و در آن جا شاگرد چند یافته، <sup>۲</sup> بدیشان گفت: آیا هنگامی که ایمان آوردید، روح‌القدس را یافتید؟ به وی گفتند: بلکه نشنیدیم که روح‌القدس هست! <sup>۳</sup> بدیشان گفت: پس به چه چیز تعمید یافتید؟ گفتند: به تعمید یحیی. <sup>۴</sup> پولس گفت: یحیی البتّه تعمید توبه می‌داد و به قوم می‌گفت به آن کسی که بعد از من می‌آید ایمان بیاورید، یعنی به مسیح عیسی. <sup>۵</sup> چون این را شنیدند به نام خداوند عیسی تعمید گرفتند» (اعمال رسولان ۱۹ : ۱ - ۵).

طریقه گرفتن غسل تعمید آب همیشه به یک شکل یا صورت بوده، اما دلایل برای تعمید، متفاوت بوده است. در بخش‌های دیگر این موضوع بیشتر توضیح داده خواهد شد.

## شرایط لازم برای غسل تعمید آب:

امروزه آن قدر انحراف در انجام این سنت در بین کلیساهای فرقه‌ای ایجاد شده که شکلهای مختلفی از آن را می‌توان دید. اما لازم است یک نکته بسیار مهم را هر مسیحی دیندار و راستین بداند: "به هیچ وجه کسی اجازه ندارد آن چه را که خدا مقرر فرموده، حتی سر سوزنی تغییر دهد یا آن را منحرف سازد."

خدا از ایجاد کنندگان انحراف نمی‌گذرد و در روز داوری بر آنان رحم نخواهد کرد. حتی کسانی که آگاهانه از عقب یک انحراف حرکت می‌کنند نیز، حکم بر محکومیت خود می‌دهند. می‌بایست هر عملی در اراده و مطابق کلام خدا صورت گیرد.

اما غسل تعمید آب به چه شکلی است؟ در خصوص غسل گفته بودیم که به معنی: استحمام، تطهیر، شستشوی و طهارت است. پس در نگاه اول، در غسل تعمید آب، باید تمام بدن با آب شسته و خیس گردد.

در کتاب اعمال رسولان باب ۸ می‌خوانیم که روح‌القدس فیلیپس را به سمت جاده‌ای که از اورشلیم به غزه می‌رفت هدایت می‌کند که در آن مسیر خواجه‌سرای حبشی در حال عبور بود، روح او را به سمت خواجه‌سرا می‌فرستد که در حال خواندن صحیفه اشعیا نبی بوده و چیزی از آن نمی‌فهمید. فیلیپس با او وارد صحبت شد و از صحیفه اشعیا شروع نمود تا به بشارت انجیل خداوند عیسی مسیح.

پس از این کتاب مقدس شهادت می‌دهد که هر دو نفر ( تعمید دهنده و تعمید گیرنده ) به جهت غسل تعمید آب وارد رودخانه شدند: «<sup>۳۸</sup>پس حکم کرد تا آربه را نگاه دارند و فیلیپس با خواجه‌سرا هر دو به آب فرود شدند. پس او را تعمید داد» ( اعمال رسولان ۸ : ۳۸ ).

چند نکته مهم:

- ۱- رودخانه بود ( یعنی آب زیاد ).
- ۲- هر دو داخل آب شدند ( تعمید دهنده و تعمید گیرنده ).
- ۳- در آب فرو شد ( یعنی تعمید گیرنده می باید تماماً در آب فرو برود ).
- ۴- فقط یک تعمید دهنده ( فیلیپس ) با خواجه سرا در آب بود، دقیقاً مانند یحیی تعمید دهنده که به تنهایی تعمید می داد.

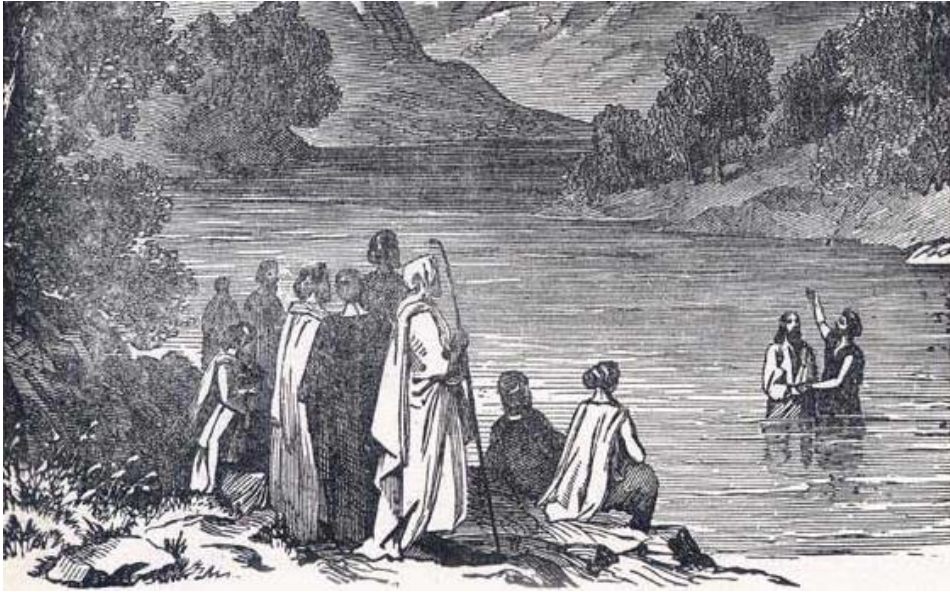
ما در این اتفاق شکل صحیح غسل تعمید آب را می بینیم

همیشه شاگردان مسیح به همین گونه تعمید می دادند، تا قبل از این که کلیسای کاتولیک رومی اولین انحراف را ایجاد کرد و تعمید با یک کف دست آب بر سر ریختن و یا با آبپاش را باب نمود.

آنان انحرافات دیگری نیز به آن افزودند، از جمله تعمید کودکان ( تعمید دادن کودکان درست نیست، این یک اجبار در پذیرش یک اعتقاد است! در حالی که تعمید یک عمل عمدی با اراده شخصی فرد است آن هم با درک کامل از ایمان به خداوند عیسی مسیح، حال یک نوزاد یا کودک شیرخوار چه طور این شرایط را می تواند داشته باشد؟ این یک عمل اشتباه است. ) این کتاب مقدسی نیست و ...، این نوع تعمید یک ننگ و انحراف بزرگ و یک کج دهنی به تمامیت کتب مقدس است.

این یک مذهب ساختگی و دروغی برای منحرف ساختن مسیحیت است. بعدها دختران او ( کلیساهای فرقه ای ) نیز در این شکل تعمید دست بردند، ولی هیچگاه آن را به شکل صحیح کتاب مقدسی باز نگرداندند.

تصویری موجود است مربوط به صده اول مسیحیت، از یک نمونه صحیح غسل تعمید آب در روم؛ زمانی که هنوز تعمید را منحرف نساخته بودند.



نمونه‌ای از غسل تعمید آب در سال ۱۰۰ میلادی در شهر روم

در این تصویر ما عین آن چیزی که کتاب مقدس به ما در خصوص فیلیپس و خواجه‌سرای حبشی گفته را مشاهده می‌کنیم. اگر کتاب مقدس را به دقت بخوانید، خواهید دید که یحیی تعمید دهنده و شاگردان مسیح نیز در چنین رودخانه‌هایی تعمید می‌دادند.

حال به صحنه تعمید خداوند عیسی مسیح توسط یحیی تعمید دهنده، دقت کنید: «<sup>۱۳</sup> آنگاه عیسی از جلیل به اردن نزد یحیی آمد تا از او تعمید یابد.<sup>۱۴</sup> اما یحیی او را منع نموده، گفت: من احتیاج دارم که از تو تعمید یابم و تو نزد من می‌آیی؟<sup>۱۵</sup> عیسی در جواب وی گفت: الآن بگذار زیرا که ما را همچنین مناسب است تا تمام عدالت را به کمال رسانیم. پس او را وا گذاشت.<sup>۱۶</sup> اما عیسی چون تعمید یافت، فوراً از آب برآمد که در ساعت آسمان بر وی گشاده شد و روح خدا را دید که مثل کبوتری نزول کرده، بر وی می‌آید» (متی ۳: ۱۳ - ۱۶).

در این صحنه تعالیم زیادی مستتر است؛ اما اکنون با دو نکته آن کار داریم. اول این که، خداوند نیز در آب فرو رفت و از آن بالا آمد ( وقتی کلام می گوید بالا آمد یعنی داخل شده بود که از آن بالا آمد. ) و دوم این که، او با خواست و اراده خودش اقدام به گرفتن غسل تعمید نمود. مانند خواجه سرای حبشی که به اراده خودش و آگاهانه، پس از شنیدن بشارت انجیل خداوند عیسی مسیح و ایمان آوردن به آن، اقدام به گرفتن غسل تعمید آب نمود.

پس تا این جا مشخص شد که برای غسل تعمید آب نیاز به چه شرایطی است:

- ۱- یک تعمید دهنده.
- ۲- تعمید گیرنده.
- ۳- آب بسیار زیاد.
- ۴- اقدام آگاهانه برای تعمید.
- ۵- داخل آب شدن.
- ۶- تماماً در آب فرو رفتن.

هر یک از این موارد، برای خود شرایط ویژه‌ای دارد که می‌بایست حتماً لحاظ شود و اگر نه تعمید صحیح نمی‌باشد که در قسمتهای بعد به آنها خواهیم پرداخت. و نیز شرایط دیگری لازم است که در ادامه توضیح داده خواهد شد.

## شکل صحیح غسل تعمید آب:

برای این که بدانید چه شکلی باید در آب تعمید بگیرید، در ابتدا لازم است تا بدانید، چرا باید تعمید گرفت. آشکار شدن علّت تعمید گرفتن، خود به خود به هر کس می‌آموزد که طریق صحیح غسل تعمید آب به چه شکلی است.

پولس رسول در خطاب به مسیحیان می‌فرماید: «<sup>۱۲</sup> و با وی در تعمید مدفون گشتید که در آن هم برخیزانیده شدید به ایمان بر عمل خدا که او را از مردگان برخیزانید» (کولسیان ۲: ۱۲).

نه تنها از این آیه، بلکه در تمام کتب مقدّس وقتی ردی از تعمید آب می‌بینیم، نمادی از مرگ و برخاستن و قیام از مرگ است. پولس مفهوم تعمید را بسیار کوتاه و آشکار بیان داشته: «با وی در تعمید مدفون گشتید» قدم اوّل در تعمید دفن شدن یعنی مردن با خداوند عیسی مسیح است؛ در کدام صحنه؟ دقیقاً لحظه‌ای که شخص کاملاً در آب فرو می‌رود. زیر آب نماد عالم دیگر است، این نماد دنیای مردگان است.

مسیح مُرد پس کسی که در مسیح تعمید می‌گیرد می‌بایست به گونه‌ای باشد که گویی راه تنفس او با محیط دارای اکسیژن برای لحظه‌ای قطع شده است؛ و همان گونه که مسیح در میان قبر از عالم خاکی ناپدید شد و به عالم اموات رفت، شخص تعمید گیرنده نیز باید از محیط دارای اکسیژن برای تنفس و عالم خاکی زمین منقطع گردد. این به هیچ وجه امکان ندارد مگر این که شخص کاملاً در آب فرو رود و هیچ نقطه‌ای از بدن او با هوا در ارتباط نباشد.

آیا یک شخص می‌تواند خودش را تعمید دهد؟ خیر! مسیح خودکشی نکرد، او را کشتند. پس شخص تعمید گیرنده نیز می‌بایست توسط دیگری تعمید داده شود.

آیا هر کسی می‌تواند تعمید دهد؟ خیر! مسیح به فرمان کاهن اعظم قوم، در خدمتی کهناتی برای قوم، و با اتحاد سایر کهنه، کشته شد. پس شخص تعمید دهنده باید دارای خدمتی کهناتی در کلیسا باشد.

به چه شکلی باید در آب فرو رفت؟ مسیح وقتی که مرد به درازا (افقی) در قبر خوابیده شد؛ این مرگ او بود. لذا شخصی که می‌میرد نیز می‌بایست به درازا (افقی) در آب فرو رود. تعمید گیرنده مستقیم، یا به جلو و یا با شیرجه در آب تعمید داده نمی‌شود، بلکه می‌بایست تعمید دهنده، مانند مرده‌ای که او را به پشت در قبر می‌خوابانند، تعمید گیرنده را به پشت و کاملاً در آب فرو ببرد و حتی تار مویی بیرون آب نباشد.

این قسمتِ اوّل از شکل صحیح غسل تعمید آب است، اما در قسمتِ دوم، همان گونه که مسیح از مردگان قیام نمود، شخص تعمید گیرنده نیز باید از آب بالا بیاید. «که در آن هم برخیزانیده شدید.» مسیح از مردگان، به قوّت روح‌القدس برخاست، لذا شخص تعمید گیرنده نیز به همان سان که در آب فرو رفت، می‌بایست همان گونه از درون آب بیرون بیاید.

تعمید نماد مردن از زندگی، اعتقادات و وابستگیهای گذشته، و قیام و زندگی‌ای نو است. تعمید نماد بریده شدن از ریشهٔ درختِ گناه آلود آدم که محکوم به مرگ بوده می‌باشد، و پیوند خوردن و یافتن زندگی‌ای تازه در درخت حیات، یعنی خداوند عیسی مسیح. لذا تعمید عبور از مرز گناه و رفتن به سوی تقدّس و پاکی است. یکی از دلایل دیگری که از آب استفاده می‌شود به خاطر قدرت پاک‌کنندگی و پاکیزگی آن است. پس آب برای غسل تعمید حتماً می‌بایست پاک باشد.

مسیح حسب کلام خدا محکوم به مرگ شد. «یهودیان بدو جواب دادند که ما شریعتی داریم و موافق شریعت ما واجب است که بمیرد زیرا خود را پسر خدا ساخته است» (یوحنا ۱۹ : ۷). کلام خدا پاک و مقدّس و مانند آب، جاری است، کلام خدا تا انقضای عالم ادامه دارد و هرگز منقطع نگردیده است، لذا تعمید می‌بایست حتماً در آب

جاری انجام شود، مانند آب رودخانه و دریا. آب جاری همیشه پاک است چون جریان دارد مانند کلام خدا که در هر زمانی پیغام آن زمان را به همراه دارد. نتیجتاً "تعمید در استخر و حوضهای بادی" باطل و اشتباه است. تمام رسولان و شاگردان مسیح، بدون استثناء همه در رودخانه‌ها و کناره‌های دریا تعمید می‌دادند.

دانستید که در تعمید می‌بایست مرگ و قیام خداوند عیسی مسیح ظاهر گردد. ظهور و نشان دادن مرگ هراسناک است، پس شرایطی که این مرگ را می‌خواهد آشکار کند باید هراسناک باشد. مرگ، سخت و ترسناک است؛ هرگز کسی از آبی به ارتفاع نیم متر نخواهد ترسید! بگذارید واضح‌تر بگویم، شما هرگز نمی‌توانید کسی را در آبی بسیار کم عمق خفه کنید، او اگر دستهایش را به کف بگذارد و روی دستهایش بلند شود می‌تواند برای تنفس سرش را از آب بیرون بیاورد. تعمید در چنین عمقی از آب که فقط یک شخص بتواند در آن دراز کش فرو رود، صحیح نیست.

عمق آب باید به اندازه‌ای باشد که اگر شخص دستهای خود را بر کف بگذارد سرش از آب بیرون نیاید. از سوی دیگر تعمید گیرنده می‌بایست از حالت ایستاده به پشت در آب فرو رود، و قبل از آن، به نام خداوند عیسی مسیح که در او باید تعمید بگیرد، شهادت دهد؛ پس عمق آب نباید تا به سر برسد. لذا چنین نتیجه گرفته می‌شود که برای تعمید، عمق آبی در حدود کمر و سینه لازم است و کمتر و بیشتر از آن صحیح نمی‌باشد. پس تا این جا مشخص شد که شکل صحیح غسل تعمید آب به چه صورت است:

- ۱- در دریا یا رودخانه جاری.
- ۲- با عمقی تا کمر یا سینه.
- ۳- اعتراف به نام خداوند عیسی مسیح.
- ۴- به پشت در آب فرو رفتن.
- ۵- به روی از آب بالا آمدن.

## تعمید روح القدس:

موضوع تعمید روح القدس بسیار گسترده و جذاب است؛ اما پرداختن به آن از تمام زوایا، مربوط به شناخت روح القدس می باشد که در جلد سوم کتاب الوهیت با موضوع شناخت روح القدس به طور کاملاً جامع به آن پرداخته شده است. در این مجال شرح مختصری از آن را ذکر می کنم.

در غسل تعمید آب، تعمید گیرنده است که با اراده و میل خود پا پیش می گذارد و با انجام غسل تعمید آب، اعلام می کند که می خواهد از زندگی گذشته خود جدا شده و در خداوند عیسی مسیح دارای حیاتی نو گردد: «یا نمی دانید که جمیع ما که در مسیح عیسی تعمید یافتیم، در موت او تعمید یافتیم؟<sup>۴</sup> پس چون که در موت او تعمید یافتیم، با او دفن شدیم تا آن که به همین قسمی که مسیح به جلال پدر از مردگان برخاست، ما نیز در تازگی حیات رفتار نماییم.<sup>۵</sup> زیرا اگر بر مثال موت او متحد گشتیم، هر آینه در قیامت وی نیز چنین خواهیم شد» ( رومیان ۶ : ۳ - ۵ ).

غسل تعمید آب مانند امضا نمودن قراردادی است از سوی پیروان به مسیح، با خداوند عیسی مسیح. با غسل تعمید آب، شخص ایماندار خود را به خداوند تقدیم می کند و به این وسیله زیر یک قرارداد ابدی را امضا می کند که می بایست تا ابد به آن وفادار بماند. اما هر قراردادی نیاز به امضای بین طرفین دارد تا قانونی و لازم الاجرا گردد. خداوند بسیار قانونمند است لذا لازم است تا خود خداوند عیسی مسیح نیز زیر چنین قراردادی امضا نماید.

به امضای خداوند، تعمید روح القدس گفته می شود. این امضا بیعانه خدا و مهر تأییدی است بر پذیرفته شدن شخص در ملکوت خداوند: «<sup>۲۲</sup> که او نیز ما را مهر نموده و بیعانه روح را در دلهای ما عطا کرده است» ( دوم قرن تیان ۱ : ۲۲ ). تعمید روح القدس دقیقاً مانند تعمید آب است، همان گونه که شخص کاملاً فرو رفتن در آب و خیس شدن

و فشار را احساس می‌کند، در تعمید روح‌القدس نیز باید به همان قوت و حتی بسیار شدیدتر مشابه آن را تجربه نماید. در تعمید روح‌القدس حتماً یک اتفاق ماوراءالطبیعه صورت خواهد گرفت. در غیر این صورت، هر نشانه دیگری! تعمید روح‌القدس نیست.

معمولاً همیشه تعمید روح‌القدس بعد از تعمید آب اتفاق می‌افتد. پطرس در اولین موعظه بشارتی خود، به شرایط لازم جهت گرفتن تعمید روح‌القدس اشاره می‌کند: «<sup>۳۸</sup> پطرس بدیشان گفت: توبه کنید و هر یک از شما به اسم عیسی مسیح به جهت آمرزش گناهان تعمید گیرید و عطای روح‌القدس را خواهید یافت» (اعمال رسولان ۲ : ۳۸).

### مراحل لازم در مسیر تعمید:

- ۱- توبه و ایمان به نام خداوند عیسی مسیح،
- ۲- غسل تعمید آب در نام خداوند عیسی مسیح،
- ۳- تعمید روح‌القدس توسط خداوند عیسی مسیح،

اما چند نوع تعمید روح‌القدس وجود دارد؟ یحیی تعمید دهنده، در خصوص تعمید روح‌القدس به دو نوع اشاره نموده، و هرگز در دنیا به غیر از این دو نوع دیده نشده: «<sup>۱۶</sup> یحیی به همه متوجه شده گفت: من شما را به آب تعمید می‌دهم، لیکن شخصی توانا تر از من می‌آید که لیاقت آن ندارم که بند نعلین او را باز کنم. او شما را به روح‌القدس و آتش تعمید خواهد داد» (لوقا ۳ : ۱۶). «روح‌القدس و آتش» فقط این دو نوع صحیح می‌باشد.

روح‌القدس (روح خدا): که مانند نسیمی خنک وزیدن می‌کند و همیشه با شکینه ابر (ستون ابر) همراه است. دقت کنید و دچار توهم نگردید! باید شکینه پدیدار شود و شخص در شکینه ابر فرو رود. این یک اتفاق ماوراءالطبیعه است.

آتش: که مانند گرمای سوزان تمام وجود شخص را در بر می‌گیرد.

در سرتاسر کتب مقدّس و تاریخ قوم اسرائیل، با نمادهای زیادی از تعمید روح القدس مواجه می‌شویم، اما همه این نمادها فقط به همین دو نوع تعمید روح القدس اشاره می‌کند.

با این که تعمید روح القدس در روند و سیر توالی، بعد از غسل تعمید آب است، اما دیده شده که در بعضی مواقع یک شخص در ابتدا تعمید روح القدس را می‌گیرد و سپس غسل تعمید آب را انجام می‌دهد. در چنین مواقعی دو دلیل مهم وجود دارد: اول این که چنین شخصی قطعاً با تمام وجودش، از گذشته خود مرده و دچار چنان تحوّل درونی‌ای شده که برای خداوند اثبات شده و دوم این که نشان از اشتیاق شدید خداوند برای آن شخص دارد. نمونه چنین اتفاقی، در خانه کرنیلیوس بر او و اهل خانه‌اش به وقوع پیوست:

«این سخنان هنوز بر زبان پطرس بود که روح القدس بر همه آنانی که کلام را شنیدند، نازل شد.<sup>۴۵</sup> و مؤمنان از اهل ختنه که همراه پطرس آمده بودند، در حیرت افتادند از آن که بر امتها نیز عطای روح القدس افزه شد،<sup>۴۶</sup> زیرا که ایشان را شنیدند که به زبانها متکلم شده، خدا را تمجید می‌کردند.<sup>۴۷</sup> آنگاه پطرس گفت: آیا کسی می‌تواند آب را منع کند، برای تعمید دادن اینانی که روح القدس را چون ما نیز یافته‌اند.<sup>۴۸</sup> پس فرمود تا ایشان را به نام عیسی مسیح تعمید دهند. آنگاه از او خواهش نمودند که روزی چند توقف نماید» (اعمال رسولان ۱۰: ۴۴ - ۴۸).

پس از این که شخصی تعمید روح القدس را دریافت کند، تمام وجود او با خداوند پیوند خواهد خورد و با خداوند یکی خواهد شد. در این زمان است که او مهر شده خداوند خواهد بود و به راستی می‌توان او را فرزند خدا نامید. تا قبل از این اتفاق نمی‌توان کسی را فرزند خدا خواند:

«لیکن شما در جسم نیستید بلکه در روح، هرگاه روح خدا در شما ساکن باشد؛ و هرگاه کسی روح مسیح را ندارد وی از آن او نیست.<sup>۱۰</sup> و اگر مسیح در شما است، جسم به سبب گناه مرده است و اما روح به سبب عدالت، حیات است.<sup>۱۱</sup> و اگر روح او که عیسی

را از مردگان برخیزانید در شما ساکن باشد، او که مسیح را از مردگان برخیزانید، بدنهای فانی شما را نیز زنده خواهد ساخت به روح خود که در شما ساکن است.<sup>۱۲</sup> بنابراین ای برادران، مدیون جسم نیستیم تا بر حسب جسم زیست نماییم.<sup>۱۳</sup> زیرا اگر بر حسب جسم زیست کنید، هر آینه خواهید مرد. لیکن اگر افعال بدن را به وسیله روح بکشید، همانا خواهید زیست.<sup>۱۴</sup> زیرا همه کسانی که از روح خدا هدایت می‌شوند، ایشان پسران خداوند.<sup>۱۵</sup> از آن رو که روح بندگی را نیافته‌اید تا باز ترسان شوید بلکه روح پسر خواندگی را یافته‌اید، که به آن آبا، یعنی ای پدر ندا می‌کنیم.<sup>۱۶</sup> همان روح بر روحهای ما شهادت می‌دهد که فرزندان خدا هستیم» ( رومیان ۸ : ۹ - ۱۶ ).

وقتی کسی تعمید روح‌القدس را دریافت می‌کند، آنگاه است که فرزند خدا خواهد بود: «<sup>۲۶</sup> زیرا همگی شما به وسیله ایمان در مسیح عیسی، پسران خدا می‌باشید.<sup>۲۷</sup> زیرا همه شما که در مسیح تعمید یافتید، مسیح را در بر گرفتید» ( غلاطیان ۳ : ۲۶ - ۲۷ ). فقط در بر گرفتن مسیح ( در اندرون داشتن او )، به واسطه تعمید روح‌القدس است که شخص را مسیحی و فرزند خدا می‌سازد، نه اعتراف نمودن تنها به نام او، که شیطان نیز به نام او اعتراف دارد.

«<sup>۱۳</sup> زیرا که جمیع ما به یک روح در یک بدن تعمید یافتیم، خواه یهود، خواه یونانی، خواه غلام، خواه آزاد و همه از یک روح نوشانیده شدیم» ( اول قرنتیان ۱۲ : ۱۳ ).

## چرا باید تعمید گرفت؟

تعمید شروع و آغازی دوباره است. شخصی که تعمید می‌گیرد خود را از گذشته‌اش منقطع می‌کند و می‌بایست زندگی‌ای جدید را در پیش بگیرد. این تغییر همیشه باید با یک تقدّس و تازگی همراه باشد. یک مسیحی با غسل تعمید آب، مرگ و قیام خداوند عیسی مسیح را یادآور می‌شود، و به این طریق خودش را نیز در مرگ و قیامی نمادین، همراه با خداوند شریک می‌گرداند.

بسیاری معتقدند که هر شخصی در زندگی ایمانی خود فقط یک بار لازم است تا تعمید بگیرد، و همان یک بار برای همیشه او کفایت می‌کند. اما کتاب مقدّس چیز دیگری به ما می‌آموزد. یک شخص در طول زندگی خود بعضاً لازم دارد تا باز تعمید بگیرد.

در زمان مسیح، یحیی تعمید دهنده آمده بود تا به جهت آمرزش گناهان "تعمید به توبه" دهد. قوم می‌بایست توبه می‌کرد زیرا آمدن مسیح موعود نزدیک بود تا تحقق نبوّتهای عهد قدیم به انجام رسد. این جا می‌بایست یک تغییر صورت می‌گرفت. یک انتقال از عهدی به عهد دیگر در جریان بود. در این انتقال عهد اوّل باید می‌مرد که مسیح با مرگ خود، عهد اوّل را به انجام و پایان کار خود رسانید، فرو رفتن در آب به هنگام غسل تعمید آب، نشان دهنده همین موضوع است؛ و چون طریق مرگ او حسب کلام خدا بود، پس در این انتقال همه چیز تقدیس می‌گردید، مانند غسل تعمید آب، از آن جهت که آب پاک کننده است، شخص را تقدیس و آماده برای زندگی نو می‌گرداند؛ و سپس می‌بایست عهد جدید منعقد و استوار می‌گردید، که با قیام خداوند عیسی مسیح، زندگی جدیدی آغاز گردید، مانند شخصی که در غسل تعمید آب پس از فرو رفتن از آب بیرون می‌آید و نوید یک زندگی نو را می‌یابد.

لذا هرگاه شروع و آغاز جدیدی در پیش بود حتماً با تعمید شروع می‌شد. لذا تعمید همیشه با خود سه چیز را به همراه دارد: مرگ، تقدّس، زندگی دوباره.

آیا تا آن زمان هیچ کس از قوم تعمید نگرفته بود؟! اگر بگویید نه، این عجیب خواهد بود. مگر می‌شود کاهنان و لایوان و قوم خدا تا آن زمان تعمید نگرفته باشند؟! این یک در میلیون هم نمی‌تواند درست باشد. تعمید یک ریشه کهن در نزد قوم خدا داشته. محال ممکن است یحیی تعمید دهنده یک بدعت‌گذار بوده باشد و او تعمید را ابداع نموده باشد، این مضحک‌ترین جمله‌ای است که کسی بخواهد به آن فکر کند. در اناجیل می‌بینید که تمام قوم کاملاً با امر تعمید آشنا بوده‌اند، و حتی برای گرفتن تعمید، فریسیان و صدوقیان که افراد بسیار متعصب مذهبی بودند نیز به نزد یحیی تعمید دهنده می‌آمدند.

«پس چون بسیاری از فریسیان و صدوقیان را دید که به جهت تعمید وی می‌آیند، بدیشان گفت: ای افعی‌زادگان، که شما را اعلام کرد که از غضب آینده بگریزید» (متی ۳: ۷)؟

این نشان می‌دهد که قوم می‌دانستند تعمید یعنی چه. حتی فهمیده بودند که با موعظه‌های کوبنده یحیی، نیاز به تعمید مجدد دارند. آنان یحیی را به عنوان یک نبی بسیار بزرگ شناخته بودند، تا به حدی که او را با ایلیا و حتی خود مسیح اشتباه گرفتند. تمام بزرگان هیکل مقدس در برابر یحیی به زیر کشیده شده بودند و توانایی عرض اندام در جلوی او را نداشتند، به راستی او بسیار بزرگ بود. لذا وقتی او برای توبه فراخوان به تعمید داد، فهمیدند که یک جریان بزرگی در راه است و برای گرفتن تعمید به نزد او شتافتند.

یحیی خیلی بزرگ‌تر از آن چیزی بود که شاید به نظر خلیها برسد. خداوند عیسی مسیح در وصف او گفت که از تمام بشر تا به آن زمان بزرگ‌تر بود: «اگر آینه به شما می‌گویم که از اولاد زنان، بزرگ‌تری از یحیی تعمید دهنده برنخاست، لیکن کوچک‌تر در ملکوت آسمان از وی بزرگ‌تر است» (متی ۱۱: ۱۱).

در خصوص بزرگی یحیی، یوحنا رسول نیز واقعه‌ای را ذکر می‌کند که نشان می‌دهد او دارای کرامات و ویژگیهای بسیار منحصر به فردی بود که تمامی قوم را مجذوب

خود ساخته بود: «<sup>۱۹</sup> و این است شهادت یحیی در وقتی که یهودیان از اورشلیم کاهنان و لاویان را فرستادند تا از او سؤال کنند که تو کیستی؟<sup>۲۰</sup> که معترف شد و انکار ننمود، بلکه اقرار کرد که من مسیح نیستم.<sup>۲۱</sup> آنگاه از او سؤال کردند، پس چه؟ آیا تو الیاس هستی؟ گفت: نیستم. آیا تو آن نبی هستی؟ جواب داد که نی.<sup>۲۲</sup> آنگاه بدو گفتند: پس کیستی تا به آن کسانی که ما را فرستادند جواب بریم؟ درباره خود چه می گویی؟<sup>۲۳</sup> گفت: من صدای ندا کننده‌ای در بیابانم که راه خداوند را راست کنید، چنان که اشعیای نبی گفت» ( یوحنا ۱ : ۱۹ - ۲۳ ).

قوم در تعمید شریعت خود بودند، وقتی یحیی آمد تا پیشروی ظهور اولیّه مسیح گردد، لازم بود تا قوم با توبه‌ای، خود را از آلودگی و گناه پاک نموده و با تعمیدی دیگر منتظر آمدن مسیح موعود شوند. با تعمید یحیی تعمید دهنده، تا به این برهه از تاریخ دو نمونه تعمید را می بینیم. اما در این جا تمام نمی شود، وقتی مسیح خود را آشکار نمود و خدمتش را آغاز کرد، شروع نمود به "بشارت به نزدیک شدن ملکوت خدا". از این جهت قوم برای آماده شدن جهت ورود به ملکوت خدا باز می بایست تعمید می گرفتند. چه شد؟ پیغامی نو آمد، متعاقب با آن پیغام، تعمیدی نو لازم بود. لذا شاگردان پیوسته همراه با مسیح، در آن سوی رودخانه شروع به تعمید دادن کردند.

«<sup>۱</sup> و چون خداوند دانست که فریسیان مطلع شده اند که عیسی بیشتر از یحیی شاگرد پیدا کرده، تعمید می دهد،<sup>۲</sup> با این که خود عیسی تعمید نمی داد بلکه شاگردانش» ( یوحنا ۴ : ۱ - ۲ ).

اما تنها این دو تعمید، برای آن زمان نبود. در روز پنطیکاست که آغاز کلیسا بود و کلیسا می بایست تعمید روح القدس را بگیرد، باری دیگر شاگردان مسیح در نام "خداوند عیسی مسیح" به جهت عطای روح القدس، شروع به تعمید دادن ایمانداران نمودند: «<sup>۳۸</sup> پطرس بدیشان گفت: توبه کنید و هر یک از شما به اسم عیسی مسیح به جهت آمرزش گناهان تعمید گیرید و عطای روح القدس را خواهید یافت.<sup>۳۹</sup> زیرا که این وعده است برای

شما و فرزندان شما و همه آنانی که دورند، یعنی هر که خداوند خدای ما او را بخواند» ( اعمال رسولان ۲ : ۳۸ - ۳۹ ).

کاملاً واضح است هرگاه پیغامی نو بیاید، هرگاه یک جریان بزرگ روحانی از سوی خداوند در حال وقوع باشد، هرگاه یک تغییر و تبدیل بزرگ در پیش باشد، نیاز به غسل تعمید آب می‌باشد.

یک ایماندار شاید در طول زندگی ایمانی خود لازم باشد حتی چند بار تعمید بگیرد. اگر او در مرز بین دو پیغام الهی باشد، می‌بایست برای پیغام گذشته در تعمید بوده باشد و با پیغام جدید نیز تعمید بگیرد و همراه شود. اگر شخصی یک بار خطای بزرگی بنماید و از بدنه کلیسا جدا شود، چنان چه توبه کند و بازگردد، لازم است تا دوباره تعمید بگیرد. همیشه این گونه بوده و هست.

در غسل تعمید آب، تعمید گیرنده موت و قیام خداوند را یادآوری می‌کند و در آن با خداوند پیمانی نو برای زندگی و حرکتی نو می‌بندد. همان گونه که یک شخص یک بار تعمید روح القدس را می‌گیرد ولی باز برای او پُری روح القدس به دفعات تکرار می‌شود، برای غسل تعمید آب نیز می‌تواند این چنین باشد.

در عهد عتیق اشارات زیادی به غسل تعمید آب نشده، اما می‌دانیم همیشه بوده و پیوسته جریان داشته است. در خصوص اهمیت و تأثیرگذاری تعمید، خدا بارها در گذشته، در قالب نمادهایی به جهانیان نشان داده که چگونه است. در ادامه به بعضی از این نمادها می‌پردازیم.

واضح‌ترین نماد این دو نوع تعمید را می‌توان در هنگام خروج قوم اسرائیل از مصر به سمت سرزمین موعود دید. وقتی قوم اسرائیل به رهبری موسی از مصر خارج شد و به دریای سرخ رسید، دریای سرخ از میان شکافت و قوم اسرائیل که حامل وعده خدا برای

آزادی و رسیدن به سرزمین وعده خدا بود، می‌بایست از میان دریا عبور می‌کرد. این نمادی از غسل تعمید آب برای قوم بود.

وقتی فرستاده خدا (موسی) با پیغامی تازه که نوید آزادی برای قوم داشت، ارباب آنان را عوض کرد و آنان را از فرعون به خدا پیوند زد، به آنان یک زندگی تازه در آزادی بخشید. چه شد؟ می‌بینید که یک حرکتی به جریان افتاد، یک انتقال و جایگزینی داشت اتفاق می‌افتاد، و دقیقاً زمانی که با پیغام همراه شدند و باید وارد وعده خدا می‌شدند، می‌بایست از پوشش بردگی می‌مردند و تقدیس می‌شدند تا وارد زندگی تازه‌ای گردند. پس خدا آنان را به سمت دریا هدایت نمود و آنان را از زیر دریا عبور داد. این یک تعمید جمعی بود. دریا حد فاصل بین زندگی گذشته در بردگی و زندگی جدید در آزادی بود. مانند غسل تعمید آب، که حد فاصل بین زندگی در گناه و آزادی در مسیح است.

«<sup>۲۱</sup> پس موسی دست خود را بر دریا دراز کرد و خداوند دریا را به باد شرقی شدید، تمامی آن شب برگردانیده، دریا را خشک ساخت و آب مُنْشَق گردید.<sup>۲۲</sup> و بنی‌اسرائیل در میان دریا بر خشکی می‌رفتند و آبها برای ایشان بر راست و چپ، دیوار بود» (خروج ۱۴ : ۲۱ - ۲۲). این نمادی از غسل تعمید آب بود. این تعمید موسی بود؛ مانند تعمید یحیی. این تعمید برای پیغام همان زمان بود.

باز در کتاب مقدس می‌خوانیم که وقتی فرعون قوم را رها ساخت، و آنان راه بیابان را در پیش گرفتند، خداوند روزها در ستون ابر و شبها در ستون آتش بر بالای سر قوم بود. قوم به این ستون نگاه می‌کردند، هرگاه می‌ایستاد قوم می‌بایست ایستد، و هرگاه حرکت می‌کرد قوم نیز می‌بایست به همان سمت حرکت می‌کرد. این ستون ابر و آتش علاوه بر این که هدایتگر قوم برای حرکت بود. روزها در گرمای سوزان بیابان، سایبان و خنکی بخش، و شبها در سرمای طاقت فرسای بیابان، گرمی دهنده و روشنایی آنها بود.

«<sup>۲۱</sup> و خداوند در روز، پیش روی قوم در ستون ابر می‌رفت تا راه را به ایشان دلالت کند، و شبانگاه در ستون آتش، تا ایشان را روشنایی بخشد، و روز و شب راه روند.<sup>۲۲</sup> و ستون ابر را در روز و ستون آتش را در شب، از پیش روی قوم برنداشت» (خروج ۱۳ : ۲۱ - ۲۲).

در ستون ابر و آتش، این خدا بود که آنان را رهبری و هدایت می‌کرد. او یک هدایتگر آسمانی بود که به دو شکل ظاهر می‌شد: ستون ابر (شکینه) و ستون آتش. این نماد دو گونه تعمید روح‌القدس (روح و آتش) بود. این تعمیدی بود که قوم را تا به وعده خدا هدایت می‌کرد؛ مانند تعمید روح‌القدس که بیعانه‌ای است از سوی خداوند، که هر شخص ایماندار را تا به ملکوت خدا همراهی و هدایت خواهد کرد.

«<sup>۱۳</sup> و در وی، شما نیز چون کلام راستی، یعنی بشارت نجات خود را شنیدید، در وی چون ایمان آوردید، از روح قدّوس وعده مختوم شدید.<sup>۱۴</sup> که بیعانه میراث ما است برای فدای آن مُلکِ خاصِ او، تا جلال او ستوده شود» (افسیسیان ۱ : ۱۳ - ۱۴). اگر کسی به سمت ملکوت خدا هدایت نمی‌شود، بداند که زیر هدایت روح‌القدس نیست و هنوز به سمت وعده خدا حرکت نکرده. چنین کسی هنوز در زمان بردگی خود در مصر (زندگی خفت‌بار گذشته خود) است.

پولس رسول نیز به این نمونه از عهد عتیق اشاره کرده است: «<sup>۱۵</sup> زیرا ای برادران نمی‌خواهم شما بی‌خبر باشید از این که پدران ما همه زیر ابر بودند و همه از دریا عبور نمودند<sup>۱۶</sup> و همه به موسی تعمید یافتند، در ابر و در دریا» (اول قرنتیان ۱۰ : ۱ - ۲).

نمی‌توان از یک زندگی به زندگی دیگری منتقل شد مگر این که شخص از زندگی گذشته خود کنده و جدا شود (بمیرد). پس از این کنده شدن است که می‌تواند وارد زندگی جدیدی گردد.

این در خصوص زمین نیز صدق می‌کند. در ابتدا وقتی خدا خواست یک زندگی پدید بیاورد، ابتدا آن را از میان آبها ظاهر ساخت: «<sup>۱۷</sup> و خدا گفت: آبهای زیر آسمان در یک

جا جمع شود و خشکی ظاهر گردد. و چنین شد» (پیدایش ۱ : ۹). این ابتدای زندگی بود و قبل از آن مرگ نبود، لذا فرو بردن در آب هنوز مفهوم نداشت لذا در ابتدا همه چیز از آب بالا آمد و ظاهر شد. خشکی از میان آب بیرون آمد و با خود زندگی داشت و همه موجودات از خاک زمین پدیدار شدند: «<sup>۴</sup>و خدا گفت: زمین، جانوران را موافق اجناس آنها بیرون آورد، بهایم و حشرات و حیوانات زمین به اجناس آنها. و چنین شد» (پیدایش ۱ : ۲۴).

در ادامه می‌خوانیم که زمین ملعون و ناپاک و تماماً در شرارت شد و در نظر خدا به انتهای خود رسید: «<sup>۵</sup>و خداوند دید که شرارت انسان در زمین بسیار است، و هر تصوّر از خیالهای دل وی دائماً محض شرارت است. و خداوند پشیمان شد که انسان را بر زمین ساخته بود، و در دل خود محزون گشت. <sup>۷</sup>و خداوند گفت: انسان را که آفریده‌ام، از روی زمین محو سازم، انسان و بهایم و حشرات و پرندگان هوا را، چون که متأسّف شدم از ساختن ایشان» (پیدایش ۶ : ۵ - ۷).

ولی نوح و خانواده‌اش در نظر خدا پسندیده آمدند: «<sup>۸</sup>اما نوح در نظر خداوند التفات یافت» (پیدایش ۶ : ۸). و خدا به نوح وعده داد که عهدش را با نوح استوار خواهد ساخت: «<sup>۱۷</sup>زیرا اینک من طوفان آب را بر زمین می‌آورم تا هر جسدی را که روح حیات در آن باشد، از زیر آسمان هلاک گردانم. و هر چه بر زمین است، خواهد مرد. <sup>۱۸</sup>لیکن عهد خود را با تو استوار می‌سازم، و به کشتی در خواهی آمد، تو و پسرانت و زوجهات و ازواج پسرانت با تو» (پیدایش ۶ : ۱۷ - ۱۸).

چه شد؟ صحبت از عهدی دیگر شد، و این بار با نوح. پیش‌تر عهد خدا با آدم بود که حکومت زمین را به او سپرده بود، ولی آدم آن عهد را شکست و پاس نداشت. این بار خدا خواست تا با نوح عهدی نو استوار سازد و قبل از آن قصد بر نابودی زمین نمود. این جا یک پیغام جدیدی در راه است. یک جایگزینی باید شکل بگیرد. نوح برای عهد جدید خدا باید در زمین می‌بود، زمین در نظر خدا به انتهای خود رسیده بود و خدا قصد هلاکت

آن را داشت؛ لذا زمین نیز باید می‌مرد و تقدیس می‌شد، تا برای زندگی جدیدی که خدا وعده داده بود آماده گردد.

پطرس در خصوص طوفان نوح می‌گوید: «<sup>۲۰</sup> که سابقاً نافرمان‌بردار بودند هنگامی که حلم خدا در ایام نوح انتظار می‌کشید، وقتی که کشتی بنا می‌شد، که در آن جماعتی قلیل یعنی هشت نفر به آب نجات یافتند،<sup>۲۱</sup> که نمونه آن، یعنی تعمید اکنون ما را نجات می‌بخشد ( نه دور کردن کثافت جسم، بلکه امتحان ضمیر صالح به سوی خدا ) به واسطه برخاستن عیسی مسیح» ( اول پطرس ۳ : ۲۰ - ۲۱ ).

می‌بینید؟ این طریق خدا است. همیشه این گونه بوده. پس خدا چه کرد؟ زمین را تعمید داد. آن را از همه ناپاکی و زشتی‌اش شست و زدود، به زیر آب فرو برد، و برای زندگی نو در عهد جدیدش با نوح آن را از زیر آب بالا آورد. این غسل تعمید آب زمین بود.

زمین یک بار دیگر نیز باید تعمید بگیرد! وقتی که به پایان روز ششم برسد و آماده برای ورود به روز هفتم می‌شود. روز هفتم را خدا مقدس خوانده، دیگر در آن روز شرارتی نخواهد بود، ولی روز ششم تماماً در شرارت است. لذا باید زمین برای زندگی نو در روز هفتم تقدیس گردد. باید زمین بمیرد ( نابود شود ) تا دوباره زندگی نو را در خود ببیند. اما این بار با غسل تعمید آب نخواهد بود! چرا؟

روز هفتم متفاوت است؛ تمام غسل تعمیدهای آب، در درون روز پر از شرارت ششم بود، اما این آخرین عبور و جا به جایی از روزی به روز دیگر است؛ عبور از روز شیطان به روز خداوند است؛ روز خداوند مقدس است و شریران در آن نیستند، در آن روز هیچ ناپاکی نمی‌تواند باشد، آن روز مال فرزندان راستین خدا است، جز با مجوز روح القدس کسی نمی‌تواند وارد آن روز شود. همان گونه که قوم با ستون ابر و آتش باید به سرزمین وعده خدا می‌رسید، برگزیدگان نیز باید با تعمید روح القدس وارد روز هفتم شوند.

خدا هنگام بستن عهد با نوح گفته بود که دیگر دنیا را به آب نخواهد زد: «<sup>۱۱</sup> عهد خود را با شما استوار می‌گردانم که بار دیگر هر ذی جسد از آب طوفان هلاک نشود، و طوفان بعد از این نباشد تا زمین را خراب کند» (پیدایش ۹ : ۱۱).

و پطرس در نامهٔ دوم خود اشاره کرد که انتهای عالم برای آتش ذخیره شده است: «این رسالهٔ دوم را ای حبیبان، الآن به شما می‌نویسم؛ که به این هر دو، دل پاک شما را به طریق یادگاری بر می‌انگیزانم<sup>۲</sup> تا به خاطر آرید کلماتی که انبیای مقدس پیش گفته‌اند، و حکم خداوند و نجات دهنده را که به رسولان شما داده شد<sup>۳</sup> و نخست این را می‌دانید، که در ایام آخر مُستَهزئین با استهزا ظاهر خواهند شد، که بر وفق شهوات خود رفتار نموده،<sup>۴</sup> خواهند گفت: کجا است وعدهٔ آمدن او؟ زیرا از زمانی که پدران به خواب رفتند، هر چیز به همین طوری که از ابتدای آفرینش بود، باقی است.<sup>۵</sup> زیرا که ایشان عمداً از این غافل هستند، که به کلام خدا آسمانها از قدیم بود و زمین از آب و به آب قائم گردید<sup>۶</sup> و به این هر دو، عالمی که آن وقت بود در آب غرق شده، هلاک گشت<sup>۷</sup> لیکن آسمان و زمین الآن به همان کلام برای آتش ذخیره شده و تا روز داوری و هلاکت، مردم بی‌دین نگاه داشته شده‌اند» (دوم پطرس ۳ : ۱ - ۷).

در جا به جایی از روز ششم به روز هفتم، که خدا آن را مقدس و آرامی خود خوانده، و هیچ شریری در آن نیست، فقط با تعمید روح‌القدس می‌توان داخل شد. لذا در این انتقال زمین نیز نیاز به تعمیدی مانند روح‌القدس دارد. انتهای روز ششم، اواخر تاریکی شب است؛ و آغاز روز هفتم، سپیدهٔ صبح است؛ قبل از آغازی نو در زمین، باید تقدیس و تعمید صورت گیرد. پس از آن جایی که این تعمید در تاریکی اتفاق می‌افتد، وقت پدیداری ستون آتش است (ستون آتش در شب). لذا تعمید زمین (انتهای روز ششم) برای مردن و تقدیس شدن، می‌بایست به آتش باشد. «لیکن آسمان و زمین الآن به همان کلام برای آتش ذخیره شده.» و باز در انتهای روز هفتم که ابلیس آزاد می‌شود و بر علیه خداوند وارد جنگ می‌شود، شرارت در دنیا خواهد آمد و برای انتقال و جا به جایی به ابدیت، باز جهان به آتش زده خواهد شد.

می‌بینید؟ تمام کارهای خدا در نظم و قانون است. او هرگز از اراده و طریق خود منحرف نمی‌شود. همیشه هر کاری باید مطابق قانون و اراده او صورت گیرد.

حال وقتی کسی قصد به غسل تعمید آب می‌کند، باید بداند که گام در کجا می‌گذارد. باید از عملی که انجام می‌دهد، کاملاً آگاه باشد که زیر چه قراردادی را با خدا امضا می‌کند. قراردادی که ابتدا مرگ را به همراه دارد و اگر در همان لحظه تقدیس نگردد، نخواهد برخاست، مانند دنیا که در طوفان نوح به زیر آب رفت و هلاک شد؛ مانند فرعون و سربازانش که وارد دریا شدند و تقدیس نشده و هلاک گشتند؛ مانند فریسیان و صدوقیان (نماد فرقه‌های کلیسایی) که برای غسل تعمید آب نزد یحیی آمدند و یحیی آنان را با عنوان افعی‌زادگان رد نمود: «پس چون بسیاری از فریسیان و صدوقیان را دید که به جهت تعمید وی می‌آیند، بدیشان گفت: ای افعی‌زادگان، که شما را اعلام کرد که از غضب آینده بگریزید» (متی ۳ : ۷)؟

و همانها در طریق فرقه‌ای خود، قاتلین خداوند عیسی مسیح شدند و فرصت توبه و تقدیس را نیافتند. آنان نتوانستند با تعمید زمان خود هماهنگ شوند، لذا در تعمید کهنه، در عهد کهنه، با همان مردند و تقدیس نشدند تا زندگی نو را بیابند.

«و الاّ آنانی که برای مردگان تعمید می‌یابند، چه کنند؟ هرگاه مردگان مطلقاً بر نمی‌خیزند، پس چرا برای ایشان تعمید می‌گیرند» (اوّل قرن‌تین ۱۵ : ۲۹)؟

این یک هشدار برای فرقه‌های امروزی است. مسیحیان در هر برهه‌ای از زمان برای این که در بدن خداوند بمانند و حیات داشته باشند، می‌بایست با رسولانی که دارای پیغامی خاص و ویژه هستند هماهنگ می‌شدند و غسل تعمید آب می‌گرفتند.

با هر دوره و پیغامی، غسل تعمیدی لازم است. کلام خدا تا لحظه آخر جاری است، و هنوز خداوند برای کلیسا رسولان می‌فرستد. رسولان معمولاً حامل حکم و مأموریت و پیغامی برای کلیسا هستند، لذا کسانی که با آن رسول و پیغامش هماهنگ می‌گردند،

لازم است تا غسل تعمید آب بگیرند. این ( تعمید ) نمادی است از پذیرش حرکت نو در خداوند.

متأسفانه بسیار دیده شده عده‌ای خود را رسول خداوند نامیده‌اند، بی‌آن که هیچ معرفتی به خدمت رسولان داشته باشند. اینان چون به شهری می‌روند و چند نفر را به عنوان مسیحی و تشکیل کلیسا جمع می‌کنند خود را رسول می‌دانند! این یک توهم بزرگ است.

تشکیل کلیسا فقط یکی از کارهای رسولان است. یک رسول، حتماً باید حامل یک مأموریت مستقیم و مشخص از جانب خداوند باشد. به همراه یک مسح ماوراءالطبیعی آسمانی از جانب روح القدس.

برخی نیز وقتی پیغام یک فرستاده ( رسول )، مثلاً فرستاده دوره هفتم کلیسا را به شهر یا کشوری می‌برند، خود را رسول می‌دانند. این نیز یک توهم و اشتباه بزرگ است. کسی که پیغام دیگری را می‌رساند هرگز رسول خداوند نیست، او تنها واعظ آن پیغام است. هر مأموریتی را یک رسول، مستقیم از خداوند دریافت می‌کند، نه این که مأموریت دیگری را کپی کند.

## شرایط تعمید دهنده:

آیا برای تعمید دادن شرایطی لازم است؟ آیا هر کسی می‌تواند اقدام به تعمید دادن دیگران کند؟ در نگاه اول نظری به آیات واضح و روشن در این خصوص می‌اندازیم.

«<sup>۱</sup>و در سال پانزدهم از سلطنت طیباریوس قیصر، در وقتی که پنطیوس پیلاتس، والی یهودیه بود و هیرودیس، تیتراک جلیل و برادرش فیلیپس تیتراک ایطوریّه و دیار تراخونیتس و لیسانیوس تیتراک آبلیه<sup>۲</sup> و حنا و قیافا رؤسای کهنه بودند، کلام خدا به یحیی ابن زکریّا در بیابان نازل شده،<sup>۳</sup> به تمامی حوالی اُردُن آمده، به تعمید توبه به جهت آمرزش گناهان موعظه می‌کرد.<sup>۴</sup> چنان چه مکتوب است در صحیفه کلمات اشعیای نبی که می‌گوید: صدای ندا کننده‌ای در بیابان، که راه خداوند را مهیا سازید و طرق او را راست نمایید.<sup>۵</sup> هر وادی انباشته و هر کوه و تلی پست و هر کجی راست و هر راه ناهموار صاف خواهد شد؛<sup>۶</sup> و تمامی بشر نجات خدا را خواهند دید» (لوقا ۳: ۱ - ۶).

واضح است که یحیی از بیابان فرا خوانده شد تا تعمید بدهد، خدمت و وظیفه او تعمید دادن قوم بود. خداوند او را برای این منظور مسح کرده بود و لذا معروف به یحیی تعمید دهنده شده بود، زیرا دارای حکم و مأموریتی آسمانی بود. امروزه نیز همین گونه است، خداوند بعضیها را برای تعمید دادن مسح می‌کند و به خدمت می‌گمارد.

یکی دیگر از کسانی که در کتاب مقدس نام او به عنوان تعمید دهنده دیگران مکتوب است، پولس می‌باشد. او خود شهادت می‌دهد که خدمتش تنها در راستای وعظ و تعلیم و رسالت می‌باشد: «<sup>۷</sup>و برای این، من واعظ و رسول و معلّم امتّها در ایمان و راستی مقرر شدم. در مسیح راست می‌گویم و دروغ نی» (اول تیموتاؤس ۲: ۷).

پولس در خصوص عمل تعمید دهندگی خود، اعتراف می‌کند که خداوند عیسی مسیح، او را برای تعمید دادن نفرستاده، بلکه وظیفه او چیزی دیگر است. اما با این وجود او در چند مورد اقدام به تعمید دادن نمود: «<sup>۱۷</sup>زیرا که مسیح مرا فرستاد، نه تا تعمید دهم

بلکه تا بشارت رسانم، نه به حکمت کلام مبدا صلیب مسیح باطل شود» (اول قرن‌تین ۱ : ۱۷).

پس ما چون پولس را مانند یک تعمید دهنده می‌بینیم که برای آن مقرر نشده بود. بسیاری با استناد به این کار پولس چنین تعلیم می‌دهند که برای تعمید دادن حتماً نیاز به خدمتی آسمانی نیست و هر کسی می‌تواند دیگران را تعمید دهد! آیا حقیقتاً این گونه است؟

وقتی به کتاب مقدس نگاه کنید، در نگاه اول در می‌یابید که فقط خادمین بودند که تعمید می‌دادند. شما در هیچ کجای کتاب مقدس نمی‌بینید که یک پیرو ناشناخته (بدون خدمت) مسیح اقدام به تعمید دادن دیگران بنماید. پولس نیز با این که خدمت او تعمید دادن نبود، اما خادم مسیح بوده لذا می‌توانست در وقت لزوم اقدام به تعمید دادن نماید.

ما چنین شرایطی را در فیلیپس مبشر نیز می‌بینیم، او دارای خدمت کهناتی در کلیسا بود و شهادتی برای تعمید دادن نداشت اما به آنانی که مژده خوش انجیل را رسانیده بود، تعمید نیز می‌داد: «<sup>۱۲</sup>لیکن چون به بشارت فیلیپس که به ملکوت خدا و نام عیسی مسیح می‌داد، ایمان آوردند، مردان و زنان تعمید یافتند» (اعمال رسولان ۸ : ۱۲).

حکمت کتاب مقدسی به ما می‌آموزد، کسی که اجازه دارد تا جانی را برای خدا صید کند، و او را از مسیر مرگ به سمت حیات هدایت کند (مبشر)، یقیناً مجاز است تا به آن چیزی که بدان بشارت داده، غسل تعمید آب نیز بدهد.

تعمید دادن یکی از خدمات کلیسایی است، یقیناً این خدمت بزرگ‌تر از رسول نیست. پولس جایگاه رسولان را بالاترین جایگاه خدمتی در کلیسا معرفی نمود: «<sup>۲۸</sup>و خدا قرار داد بعضی را در کلیسا: اول رسولان، دوم انبیا، سوم معلمان، بعد قوآت، پس نعمتهای شفا دادن و اعانات و تدابیر و اقسام زبانها» (اول قرن‌تین ۱۲ : ۲۸). و نیز در نامه افسسیان

مکتوب داشته که: «آن که نزول نمود، همان است که صعود نیز کرد بالاتر از جمیع افلاک تا همه چیزها را پُر کند.<sup>۱۱</sup> و او بخشید بعضی رسولان و بعضی انبیا و بعضی مبشرین و بعضی شبانان و معلّمان را،<sup>۱۲</sup> برای تکمیل مقدّسین، برای کار خدمت، برای بنای جسد مسیح» (افسسیان ۴ : ۱۰ - ۱۲).

خود خداوند عیسی مسیح نیز وقتی دوازده تن از شاگردان خاص خود را برگزید به آنان جایگاه رسولان را داد و آنان را بر گِلّه خود گماشت. در کلیسا، بعد از خود خداوند عیسی مسیح، فراتر از قدرت و اختیارات رسولان وجود ندارد. یک رسول حامل مأموریتی است که باید آن را به هر طریقی به انجام برساند. لذا بر همه خدمت‌های دیگر در کلیسا اختیار دارد. پس چیز عجیبی نیست که پولس در شرایطی اقدام به تعمید دادن می‌نمود.

باز نظر شما را به یک نکته جالب دیگر، جلب می‌کنم. در کتاب مقدّس بارها می‌بینید که رسولان بر مسیحیان دست می‌گذاشتند و آنان تعمید روح‌القدس را می‌یافتند: «اما رسولان که در اورشلیم بودند، چون شنیدند که اهل سامره کلام خدا را پذیرفته‌اند، پطرس و یوحنا را نزد ایشان فرستادند.<sup>۱۵</sup> و ایشان آمده، به جهت ایشان دعا کردند تا روح‌القدس را بیابند، زیرا که هنوز بر هیچ کس از ایشان نازل نشده بود که به نام خداوند عیسی تعمید یافته بودند و بس.<sup>۱۷</sup> پس دستها بر ایشان گذارده، روح‌القدس را یافتند» (اعمال رسولان ۸ : ۱۴ - ۱۷).

حال، وقتی تعمید روح‌القدس، که فقط خداوند در آن دخیل است، با دست‌گذاری رسولان محقق می‌شود، آیا عجیب است که یک رسول، اقدام به غسل تعمید آب بکند؟!

تعجب می‌کنم از تعالیم عجیب و گفته‌های شگفت‌آور بعضیها که خود را با کسانی مانند پطرس و پولس و رسولان دیگر، و حتّی خود خداوند مقایسه می‌کنند! در حالی که هیچ خدمت مسح شده‌ای از سوی خداوند ندارند، حتّی تعمید روح‌القدس را ندارند، چه رسد به حد جایگاهی مانند رسولان!

در هر صورت در کتاب مقدس، کسانی را می‌بینیم که دارای مسح خاص برای تعمید بودند، اما آنهایی که تعمید می‌دادند حتماً دارای خدمت رسولی و یا مبشری بودند که در ارتباط با نجات بوده باشد. با توجه به خدمتهای خاص دیگر مانند: نبی، شبان و معلّم، که اینها نیز جزو خدمتهای اصلی کلیسا (به عبارتی کهناتی) می‌باشد، اینها نیز می‌توانند به وقت لزوم تعمید دهند.

و یک نکته مهم دیگر! کسی که دیگری را غسل تعمید آب می‌دهد، حتماً می‌بایست، کسی باشد که مرگ و تقدّس و حیات نو را در خداوند تجربه کرده باشد، یعنی تعمید روح القدس را داشته باشد. چه طور می‌تواند یک نابلد یا شخص کوری، دیگران را به راهی هدایت و رهبری نماید؟! تا کسی به طرق خداوند آشنا نباشد، شایسته آن نیست که هدایتگر دیگران باشد. لذا یکی از شروط اصلی تعمید دهنده، علاوه بر موارد گفته شده، این است که حتماً تعمید روح القدس را نیز داشته باشد.

پس شرایط تعمید دهنده عبارت است از:

- ۱- داشتن خدمت خاص برای تعمید
- ۲- داشتن یکی از خدمتهای پنجگانه کلیسا
- ۳- داشتن تعمید روح القدس

## شرایط تعمید گیرنده:

برای کسی که می‌خواهد غسل تعمید آب بگیرد حتماً باید شرایط لازمه را داشته باشد.

اولین شرط مهم، سن تعمید گیرنده است. شخص باید به سنی رسیده باشد که زیر سرپرستی کسی نباشد، یعنی اجازه داشته باشد تا برای خودش تصمیم بگیرد، و کسی دیگر سرپرست یا تصمیم گیرنده او نباشد. در کتاب مقدس هیچ کودکی را نمی‌توانید بیابید که غسل تعمید آب گرفته باشد.

دومین شرط مهم، بلوغ فکری تعمید گیرنده است. او باید در بلوغ کامل فکری باشد یعنی قوه تمیز و تشخیص نیک و بد را داشته باشد. قدرت فکر کردن و اندیشیدن داشته باشد. به میزان لازم دانایی رسیده باشد. در عین دارا بودن سن لازم، عقب مانده ذهنی نباشد.

این دو شرط، از موارد لازم برای موجه بودن هر شخصی در هر امری می‌باشد. و اما به جز دو مورد گفته شده شرایط دیگری نیز لازم است.

ایمان به تمام دل: شخص تعمید گیرنده می‌بایست از کل نقشه نجات خدا آگاه باشد، یعنی مژده خوش انجیل، از گناه در باغ عدن (زناى زن با مار) و قانون قربانی تا فیض خدا در فدیة خون خداوند عیسی مسیح را شنیده و درک کامل کرده باشد. و خداوند عیسی مسیح را به عنوان نجات دهنده و خداوند خود، با تمام دل پذیرفته باشد.

فیلپس در جواب خواجه‌سرای حبشی این شرط را برای او توضیح داد: «<sup>۳۵</sup> آنگاه فیلپس زبان خود را گشود و از آن نوشته شروع کرده، وی را به عیسی بشارت داد.<sup>۳۶</sup> و چون در عرض راه به آبی رسیدند، خواجه گفت: اینک آب است! از تعمید یافتنم چه چیز مانع می‌باشد؟<sup>۳۷</sup> فیلپس گفت: هرگاه به تمام دل ایمان آوردی، جایز است. او در جواب گفت:

ایمان آوردم که عیسی مسیح پسر خدا است.<sup>۳۸</sup> پس حکم کرد تا آربه را نگاه دارند و فیلیپس با خواجه‌سرا هر دو به آب فروود شدند. پس او را تعمید داد» (اعمال رسولان ۸ : ۳۵ - ۳۸).

توبه: در خصوص معنی غسل تعمید آب، کاملاً توضیح داده شد، که در آن شخص مرگ و قیام خداوند عیسی مسیح را ظاهر می‌کند. در تعمید می‌بایست با خداوند مرد و به واسطه آن تقدیس شد و با او برای زندگی نو قیام نمود. پس لازم است هر فردی آگاهانه از زندگی گذشته خود که در گناه سرشته شده بود بازگشت کند و به سمت زندگی نوبی که در ابتدای خلقت برای آدم و نسل او مقرر شده بود حرکت کند. به این گذشتن از قبل و پیش روی به نو، توبه گفته می‌شود. لذا هر شخص قبل از ورود به آب برای گرفتن غسل تعمید، می‌بایست ابتدا در حضور خدا توبه نماید.

پطرس در روز پنطیکاست این مهم را برای آنانی که از گذشته خود دلریش و پشیمان بودند اعلام نمود: «<sup>۳۶</sup>پس جمیع خاندان اسرائیل یقیناً بدانند که خدا همین عیسی را که شما مصلوب کردید، خداوند و مسیح ساخته است.<sup>۳۷</sup> چون شنیدند دلریش گشته، به پطرس و سایر رسولان گفتند: ای برادران چه کنیم؟<sup>۳۸</sup> پطرس بدیشان گفت: توبه کنید و هر یک از شما به اسم عیسی مسیح به جهت آمرزش گناهان تعمید گیرید و عطای روح‌القدس را خواهید یافت» (اعمال رسولان ۲ : ۳۶ - ۳۸).

اگر دقت کرده باشید یحیی تعمید دهنده فریسیان و صدوقیان را برای غسل تعمید آب نمی‌پذیرفت و آنان را با عنوان افعی‌زادگان خطاب و رد می‌نمود. «در این وقت، اورشلیم و تمام یهودیه و جمیع حوالی اردن نزد او بیرون می‌آمدند، و به گناهان خود اعتراف کرده، در اردن از وی تعمید می‌یافتند.<sup>۷</sup> پس چون بسیاری از فریسیان و صدوقیان را دید که به جهت تعمید وی می‌آیند، بدیشان گفت: ای افعی‌زادگان، که شما را اعلام کرد که از غضب آینده بگریزید؟<sup>۸</sup> اکنون ثمره شایسته توبه بیاورید» (متی ۳ : ۵ - ۸).

چرا آنان را رد می‌نمود؟ چون هنوز توبه نکرده بودند. از چه چیزی توبه نکرده بودند؟ از گذشته در گناه خود. گذشته گناه آلود آنان چگونه بود؟ آنان وارد فرقه‌ها شده

بودند و هنوز در همان تشکلات فرقه‌ای خود مانده بودند، آنان با نام فرقه‌ای خود ( فریسیان، صدوقیان و ... ) پیش آمده بودند، لذا معلوم بود هنوز توبه نکرده‌اند. و خداوند شدیداً با فرقه‌ها مخالف است. اگر کسی در فرقه باشد خدا او را نخواهد پذیرفت. کار فرقه ایجاد شقاق و تمایز است. فرقه بدن مسیح را پاره پاره می‌کند، همان گونه که فرقه‌های یهودی بدن او را با تازیانه پاره پاره کردند.

پس یحیی تعمید دهنده به آنان گفت برای پذیرفته شدن از میان فرقه‌ها بیرون بیایید: «اکنون ثمره شایسته توبه بیاورید.» در یحیی تعمید دهنده روح ایلای نبی بود، ایلای نیز در عصر خود یک منادی بود. قوم در خصوص پرستش یهوه به انحراف رفته بود و از اصل خود خارج شده و بعل را می‌پرستیدند. آنان نیز فرقه شده بودند، لذا خدا ایلای را به سمت آنان فرستاد تا آنان را به خروج از فرقه فرا بخواند.

«<sup>۲۱</sup> و ایلای به تمامی قوم نزدیک آمده، گفت: تا به کی در میان دو فرقه می‌لنگید؟ اگر یهوه خدا است، او را پیروی نمایید! و اگر بعل است، وی را پیروی نمایید! اما قوم در جواب او هیچ نگفتند.<sup>۲۲</sup> پس ایلای به قوم گفت: من تنها نبی یهوه باقی مانده‌ام و انبیای بعل چهارصد و پنجاه نفرند» (اول پادشاهان ۱۸ : ۲۱ - ۲۲).

دقت کنید! مهم است! در آن قوم فرقه شده چهارصد نبی بود، ولی همه انبیای بعل ( شیطان ) بودند؛ ایلای تنها نبی حقیقی خدا بود؛ تمام آن انبیای دیگر، نماد فرقه‌های بسیار و خادمین کاذب آنها در مسیحیت بودند؛ همه آن انبیای دیگر یک صدا بر ضد ایلای بلند شده بودند، همیشه همین طور است. و خدا چه کرد؟ همه آن انبیای شیطان را هلاک کرد و ایلای را به آسمان برد.

همین روح ایلای، بعد از او در الیشع قرار گرفت با همان پیغام. و بار سوم همین روح ایلای در یحیی تعمید دهنده قرار گرفت دقیقاً با همان پیغام و شرایط؛ در زمان یحیی نیز قوم به فرقه‌ها رفته بود، و خداوند یحیی را نیز مانند ایلای از بیابان فرا خواند، یحیی نیز تنها بود در برابر تمام فرقه‌های یهودی.

برای بار دیگر باز ایلیا به زمین فرا خوانده خواهد شد، این بار همان ایلیا که به آسمان رفته بود خواهد آمد، این آخرین حضور روح ایلیا بر زمین خواهد بود، او این بار با موسی خواهد آمد. آنها برای مابقی برگزیدگان قوم یهود خواهند آمد. دقیقاً در زمانی که یهود نیز دوباره به فرقه‌ها رفته.

«و به دو شاهد خود خواهم داد که پلاس در بر کرده، مدّت هزار و دوپست و شصت روز نبوّت نمایند.<sup>۴</sup> اینانند دو درخت زیتون و دو چراغدان که در حضور خداوند زمین ایستاده‌اند<sup>۵</sup> و اگر کسی بخواهد بدیشان اذیت رساند، آتشی از دهانشان بدر شده، دشمنان ایشان را فرو می‌گیرد؛ و هر که قصد اذیت ایشان دارد، بدین گونه باید کشته شود.<sup>۶</sup> اینها قدرت به بستن آسمان دارند تا در ایام نبوّت ایشان باران نبارد و قدرت بر آنها دارند که آنها را به خون تبدیل نمایند و جهان را هرگاه بخواهند به انواع بلایا مبتلا سازند» (مکاشفه ۱۱: ۳ - ۶).

این دو شاهد که به دو درخت زیتون و دو چراغدان تشبیه شده‌اند، موسی و ایلیا هستند. یکی از دلایل این است که تنها این دو نفر از قوم اسرائیل به آسمان ربوده شده و اکنون در پیش خداوند هستند. آنان برای زمان آخر نگه داشته شده‌اند تا برای مابقی قوم اسرائیل که باید نجات یابند دوباره به زمین بیایند.

کلیسا باید در این لحظات آخر، بیدار شود و تا قبل از این که داماد بیاید، سریعاً روغندانهای خود را پر نماید، هر که روح‌القدس را ندارد، دیگر نخوابد و شبانه روز بکوشد تا آن را بیابد. انقضای عالم (روز ششم) بر در است، زمین برای باری دیگر تعمید داده خواهد شد ولی این بار به آتش.

در ابتدا از میان فرقه‌ها خارج شوید و توبه کنید، به خداوند بازگشت کنید و تعمیدی دیگر در نام خداوند عیسی مسیح بگیرید، تا عطای روح‌القدس را بیابید؛ و اگر نه در تعمید آخر زمین، به علّت نداشتن ثمرات نیکو هلاک خواهید شد.

تعمید روح القدس: شرط دیگر برای گرفتن غسل تعمید آب، این است که شخص تعمید روح القدس را داشته باشد. اشتباه برداشت نکنید! تعمید روح القدس یکی از شروط لازم برای غسل تعمید آب نیست! بلکه منظور این است که اگر شخصی یافت شود که خارج از سایر شروط و یا در نظر شبان کلیسا و خدام کلیسا، هنوز آماده تعمید نباشد، ولی در عین حال او تعمید روح القدس را داشته باشد، هیچ مرجعی نمی تواند او را از گرفتن غسل تعمید آب باز دارد و یا ناشایست بخواند.

تعمید روح القدس شرطی است و رای تمام شرطها، یعنی اگر کسی هیچ یک از شروط بالا را نداشته باشد و تنها تعمید روح القدس را داشته باشد، از هر کس دیگری برای غسل تعمید آب شایسته تر است. جایی که خداوند کسی را برگزیند و تأیید نماید، هر انکار شدنی از هر سوی هر مرجع به ظاهر روحانی دیگری کاملاً باطل خواهد بود.

پطرس در این خصوص می گوید: «<sup>۴۴</sup> این سخنان هنوز بر زبان پطرس بود که روح القدس بر همه آنانی که کلام را شنیدند نازل شد.<sup>۴۵</sup> و مؤمنان از اهل ختنه که همراه پطرس آمده بودند در حیرت افتادند از آن که بر امّتها نیز عطای روح القدس افزوده شد،<sup>۴۶</sup> زیرا که ایشان را شنیدند که به زبانها متکلم شده، خدا را تمجید می کردند.<sup>۴۷</sup> آنگاه پطرس گفت: آیا کسی می تواند آب را منع کند برای تعمید دادن اینانی که روح القدس را چون ما نیز یافته اند» ( اعمال رسولان ۱۰ : ۴۴ - ۴۷ ).

خادمین در کلیساها مراقب باشند، هرگز روح القدس و شخصی که روح خدا در او است را نالایق نخوانید! شما شایسته نیستید کسی را که روح القدس در او است، قضاوت و داوری کنید. کسی را که خدا تأیید کرد، هیچ کس نمی تواند رد نماید. اگر مسح او را دیده اید و فقط یک بار به او شهادت دادید، و بعد آن را رد کنید، کفر به روح القدس کرده اید. خداوند با کلام و طریقت خود با کسی شوخی و گذشت ندارد.

پس شرایط تعمید گیرنده عبارت است از:

- ۱- سن
- ۲- بلوغ فکری
- ۳- ایمان به تمام دل
- ۴- توبه
- ۵- تعمید روح القدس

## تعمید به نام خداوند عیسی مسیح:

دانستید که هرگاه یک انتقال و جا به جایی در پیش بود قوم خدا می‌بایست غسل تعمید آب می‌گرفتند. وقتی موسی قوم را از مصر به سمت سرزمین وعده داده شده خدا می‌برد، قوم به موسی تعمید گرفتند. و وقتی قوم می‌بایست آماده برای ورود به عهد جدید با خداوند می‌شدند، یحیی تعمید دهنده آمد تا به توبه تعمید دهد، و همه به یحیی تعمید گرفتند.

وقتی هم که خداوند آمد و به نزدیک شدن ملکوت آسمان بشارت داد همه به خداوند عیسی مسیح تعمید گرفتند. و همین طور تا وقتی که روز پنتیکاست رسید و کلیسا بنیاد نهاده شد، باید آنانی که به خداوند عیسی مسیح ایمان می‌آوردند برای گرفتن عطای روح‌القدس، باز در نام خداوند عیسی مسیح تعمید می‌گرفتند: «<sup>۳۸</sup> پطرس بدیشان گفت: توبه کنید و هر یک از شما به اسم عیسی مسیح به جهت آمرزش گناهان تعمید گیرید و عطای روح‌القدس را خواهید یافت» (اعمال رسولان ۲ : ۳۸).

علاوه بر نکات مهمی که پیش‌تر گفته شد، یکی از مهم‌ترین شرایط برای صحیح بودن غسل تعمید آب، نامی است که به آن باید تعمید گرفت. این موضوع دارای اهمیت فوق‌العاده زیادی است، به حدی که اگر در نام درست تعمید گرفته نشود، آن تعمید باطل و مورد قبول نیست. به هیچ وجه نمی‌توان آن چه در کتاب مقدس مکتوب است و اراده خداوند و عملکرد رسولان و شاگردانش بوده را تغییر داد.

یکی از بزرگ‌ترین انحرافات که در کلیساهای فرقه‌ای رواج یافت، تغییر این نام بود. خداوند عیسی مسیح در پشت در کلیساهای ایستاده و در را می‌کوبد و نمی‌تواند داخل شود، کلیساهای هم در را به روی او باز نمی‌کنند. چرا؟

شما هرگاه به در خانه خود برسید، کلید انداخته و در را باز می‌کنید و داخل آن می‌شوید؛ شما نیاز به اجازه هیچ کس ندارید زیرا خانه شما است. اما وقتی به در خانه

دیگری می‌روید، ادب را رعایت نموده و در را می‌کوبید و تا برایتان باز نکنند، داخل نمی‌شوید.

مسیح پشت در کلیسایی ایستاده که مال او نیست، خانه او نیست و او نیز بدون اجازه داخل نمی‌گردد، لذا پیوسته در را می‌کوبد. اوه! این کلیسا مال خداوند نیست! بر سر در این خانه (کلیسا) نام خداوند عیسی مسیح نیست. اینان نام کلیسای خود را تغییر دادند (کاتولیک، پروتستان، متدیست، باپتیست، پرزبیتری، جیسز اولی، یگانه انگار، ربّانی، شاهدان یهوه و ... صدها نام دیگر) آنان هر نامی دارند غیر از نام خداوند عیسی مسیح.

آنان در نام خداوند عیسی مسیح تعمید ندارند، در خداوند زندگی نمی‌کنند، به نام او تقدیس نشدند، در بدن روحانی او و در کلیسای خداوند حضور ندارند بلکه در چهار دیواری فرقه خود زندگی می‌کنند و در را به روی خداوند بسته‌اند. لذا مسیح نمی‌تواند وارد حریم زندگی آنان شود. از این روی در اندرون آنها، انواع گناهان و رجاسات است که بلند می‌شود.

تمام نشانه‌های روشن و شهادت‌های مکتوب در کتاب مقدّس را که به تعمید در نام خداوند عیسی مسیح اشاره می‌کند را رد می‌کنند و تنها با استناد به یک آیه که به گونه‌ای دیگر گفته شده، در نام "پدر، پسر و روح‌القدس" تعمید می‌گیرند: «<sup>۱۹</sup> پس رفته، همهٔ امّت‌ها را شاگرد سازید و ایشان را به اسم اب و ابن و روح‌القدس تعمید دهید» (متّی ۲۸: ۱۹). چنین تعلیم می‌دهند که باید در هنگام غسل تعمید آب گفت "به نام پدر و پسر و روح‌القدس"! استدلال آنها این گونه است که چون خداوند این را گفته، اصلاً مهم نیست رسولانش چه گفتند و چه کردند، اینها همه در گمراهی و اشتباه هستند.

متأسّفانه دیگر زمانی برای مِمَاشاتِ با این افکار جاهلانه نیست! انگار هیچ درکی از کتاب مقدّس ندارند، نسبت به کلام خدا کاملاً بی‌معرفتند، از کلام خدا هیچ چیز در زمین وجودشان باقی نمانده و در جهل تمام حتّی تمام رسولان و شاگردان مسیح را که به نام خداوند عیسی مسیح تعمید می‌دادند را افرادی گمراه و در اشتباه معرفی می‌کنند!

به عبارت واضح‌تر تمام رسالات رسولان (بخش بزرگی از عهد جدید) را مردود و فاقد ارزش می‌دانند!

وای! این کوتاه‌فکرانه‌ترین و جاهلانه‌ترین تعلیم یک معلّم مدّعی مسیحی است که می‌تواند داشته باشد. این معلّمین کذب، هرگز نتوانستند در برابر شهادت‌های مکتوبی که اثبات می‌کند تعمید باید در نام خداوند عیسی مسیح باشد، حتی یک دلیل موجه و روشن بر ضد آن بیاورند، و چون هیچ استناد درستی ندارند، با کمال بی‌شرمی کلام رسولان مسیح که وکلای اسرار خدا هستند را باطل می‌سازند.

در ادامه تا به پایان این قسمت و قسمت بعد، فقط به این موضوع خواهیم پرداخت؛ نه برای تفهیم به این دسته از معلّمین کذب، بلکه برای گُلّه خدا، که بی‌آن که بدانند در حال ارتزاق از خوراک فاسد و مرگ آفرین آنان می‌باشند.

این آیه در خصوص ذات الوهی خدا است. این یکی از بزرگ‌ترین آیاتی است که یگانگی خدا را اثبات می‌کند. منحرف شدن کسی نسبت به این آیه، اوج جهالت و نادانی او است.

در اولین کلمات خداوند عیسی مسیح در این آیه، روی صحبت او مستقیماً با رسولانش است که از آنها می‌خواهد تا بروند و همه مردم دنیا را شاگرد بسازند: «پس رفته، همه امتها را شاگرد سازید...» چه کسی می‌تواند شاگرد بسازد؟ هر آدم بی‌سوادی این را می‌داند که تنها یک معلّم و استاد است که می‌تواند دیگران را شاگرد بسازد. لذا خداوند در آن زمان رسولانش را در جایگاه معلّم و استاد قرار داده بود. آنان نه تنها شایسته‌ترین، بلکه تنها کسانی بودند که شایسته آشکارسازی کلام خداوند بودند و هستند.

همیشه در طول تاریخ، ضد مسیح در مخالفت با مسیح عمل کرده، لذا مخالفین با کلام مسیح، ممکن نیست کسی غیر از ضد مسیح باشند. ظاهراً این مدّعیان وقتی کتاب مقدّس و نوشته‌های رسولان را به دست می‌گیرند تا تعلیم دهند، خودشان را بسیار داناتر

از کتابی که دستشان است می‌دانند؛ و از آن جایی که احتمالاً نمی‌توانند خودشان را در جایگاه مقدّسان بنشانند، متوسّل به نویسندگان کتب مقدّس می‌گردند! چنان سردرگم هستند که خودشان هم نمی‌دانند.

در ادامه خداوند علاوه بر امر به شاگردسازی، از آنان خواسته تا همهٔ امّت‌ها را تعمید دهند. یک سؤال ساده! آیا مسیح نمی‌دانست که شاگردان و رسولانش بعد از او به انحراف می‌روند یا عمل درست را انجام می‌دهند؟! پس اگر قرار بود همه به انحراف بروند، یقیناً مسیح آنان را به این امور نمی‌گمارد.

و اگر نمی‌دانست که همهٔ آنان به انحراف می‌روند ( آن گونه که تمام الهیدانان و فرقه‌ها معتقد هستند که آنان در اشتباه و انحراف بودند، به عبارتی مسیح در خصوص آنان اشتباه نمود. ) پس یقیناً آن کسی که به آنها این سفارشات را کرد، مسیح خداوند نبود! نتیجتاً پس اگر او مسیح نبود، تمام کتب مقدّس از ابتدا تا انتها باید باطل و کذب بوده باشد! او! آیا فکر می‌کنید این گونه است؟ آیا کتب باطل است؟ آیا مسیحی که مصلوب شد و قیام نمود دروغ بود؟ چه کسی تا این حد با مسیح می‌تواند ضدّیت داشته باشد؟ همیشه ضد مسیح در حال فعالیت و خراب کردن کلام خداوند بوده و هست.

خداوند در ادامهٔ سفارش خود گفت: «به اسم اب و ابن و روح القدس تعمید دهید.» یعنی "پدر، پسر و روح القدس" کلمه به کلمه پیش می‌رویم تا ببینیم این جملهٔ بسیار ساده را که الهیدانان و معلّمین کذب از درک آن عاجز ماندند یعنی چه؟!

به "اسم" یعنی یک اسم نه اسامی. می‌بایست فقط به یک اسم تعمید دهند، منظور خداوند فقط یک اسم بود. هر چند سه عنوان در ادامه آمده، امّا فقط یک اسم منظور خداوند است. اگر بیش از یک اسم برده شود، غلط است. حال اگر آن سه عنوان "اب و ابن و روح القدس" اسم باشند، منظور خداوند کدام یک از آنها است؟ اگر قرار بود به یک اسم تعمید دهند، چرا خداوند سه اسم را آورد؟! متوجّه می‌شوید؟ همه چیز با تعلیم در کلیساهای فرقه شده، سردرگم و قاطی است. هیچ چیز مفهوم ندارد، شبیه به بی‌معنی‌ترین

برداشتی است که می‌تواند ناگهانی از ذهن یک کودک به دهانش منتقل شده باشد و بیرون بیاید!

و حال خداوند گفت تا "به اسم اب و ابن و روح‌القدس" تعمید دهید. بی‌سوادترین افراد روی زمین هرگز در ذهنشان راه نمی‌دهند که، پدر یک اسم باشد و یا پسر نیز یک اسم می‌باشد. تا کنون هیچ بشری اسم فرزندش را "پدر" یا "پسر" یا "روح‌القدس" نگذاشته. این عناوین به عنوان اسم باعث خنده همگان خواهد بود.

ولی چون خداوند گفت، پس حتماً باید این گونه بشود. حال این چه طور ممکن است؟ باید فقط به یک اسم تعمید داده شود. مسیح سه عنوان را در ادامه نام برد، نه سه اسم را؛ پدر و پسر و روح‌القدس، فقط سه عنوان است. اگر به یک کودک، پدرش را نشان دهید و از او بپرسید، آن شخص کیست؟ به طور قطع به شما خواهد گفت، پدرم؛ و اگر از او بپرسید اسمش چیست؟ یقیناً خواهد گفت، مارتین (مثلاً). آن شخص پدرش است اما اسمش مارتین است.

حال اگر شما پیش پدر مارتین بروید، و مارتین را به او نشان دهید و از او بپرسید، آن شخص کیست؟ حتماً خواهد گفت، پسر من؛ و اگر از او بپرسید اسمش چیست؟ می‌گوید، مارتین. در این جا مارتین دیگر، پدر نیست، بلکه تبدیل به پسر شد، مارتین برای فرزندش پدر است، اما برای پدرش، پدر نیست، بلکه پسرش می‌باشد؛ ولی این همان مارتین است، همان شخص است، با همان شخصیت و ذات، فقط جایگاه و نقش او تغییر کرد.

حال اگر شما پیش برادر مارتین بروید، و با نشان دادن مارتین به او، بپرسید آن شخص کیست؟ به شما خواهد گفت، برادرم؛ و اگر از او در خصوص اسمش سؤال کنید، آنگاه خواهد گفت، مارتین. متوجه شدید؟ این شخص مارتین است؛ همان شخص با همان شخصیت، اما دیگر پدر یا پسر نیست، بلکه برادر شده. همه افراد دارای یک شخصیت و یک اسم هستند، اما در جامعه و نسبت به محیط پیرامون خود نقشهای مختلفی را ایفا می‌کنند. به همین سادگی.

آن چه از این سخن بر می‌آید، خداوند عیسی مسیح می‌دانست در خصوص شناخت الوهیت، امتهای دیگر کلاً به انحراف خواهند رفت. او حتی این را از زبان فیلیپس نیز شنیده بود که گفت: «<sup>۸</sup>... ای آقا پدر را به ما نشان ده که ما را کافی است.» و مسیح از این سخن او متعجب شد و به او گفت: «<sup>۹</sup>... ای فیلیپس در این مدت با شما بوده‌ام، آیا مرا نشناخته‌ای؟ کسی که مرا دید، پدر را دیده است. پس چگونه تو می‌گویی پدر را به ما نشان ده؟<sup>۱۰</sup> آیا باور نمی‌کنی که من در پدر هستم و پدر در من است؟ سخنهایی که من به شما می‌گویم از خود نمی‌گویم، لیکن پدری که در من ساکن است، او این اعمال را می‌کند» ( یوحنا ۱۴ : ۸ - ۱۰ ).

حتی در آن وقت نیز قوم نمی‌توانست ارتباط بین پدر آسمانی و خداوند عیسی مسیح به عنوان پسر را تمیز دهد. این قدرت تمیز دادن بعد از قیام مسیح به رسولان و شاگردانش عطا شد ( جلوتر نشان داده خواهد شد ). لذا خداوند، پیش از صعود به آسمان، در حکیمانه‌ترین جمله ممکن اساس الوهیت را آشکار نمود، تا فرزندان خدا لغزش نخورند. اما متأسفانه همان گونه که قائل از شریر بود و نتوانست کار نیکو را دریابد و به انجام رساند، و برادرش را کشت؛ فرضیه پردازان تثلیث نیز نتوانستند یکی از بزرگ‌ترین سخنانی که به یگانگی الوهیت تأکید دارد را دریابند، و نهایتاً مرگ را با عنوان آموزه مهلک تثلیث به کلیسا تزریق کردند.

حال خداوند گفت: «پس رفته، همه امتهای را شاگرد سازید و ایشان را به اسم اب و ابن و روح‌القدس تعمید دهید» پدر، پسر و روح‌القدس، فقط سه عنوان و نشان دهنده نقشهای متفاوتی از خدا است. این همان خدای واحد است که در ارتباط با دنیا ( جهان هستی ) گاهی پدر، گاهی پسر و گاهی مانند روح‌القدس آشکار می‌گردد؛ اما همیشه او یک شخص است با یک اسم.

اسم پسر را همه می‌دانند که "عیسی" است، همین اسم نیز نام خدای قادر مطلق در نقش پدر آسمانی است، و باز همین اسم نیز نام روح‌القدس است.

حال به آیاتی نگاه کنید که به روشنی تمام به ما معرفی می‌کنند نام هر سه عنوان "پدر و پسر و روح‌القدس" عیسی است.

### نام پسر، عیسی:

نام منجی و سرور ما کاملاً آشکار و معلوم است. او با نام عیسی سی و سه سال در زمین زیست نمود و مشهور گردید، و نام او اساس ایمان مسیحی است.

«<sup>۳۰</sup>فرشته بدو گفت: ای مریم ترسان مباش زیرا که نزد خدا نعمت یافته‌ای.<sup>۳۱</sup> و اینک حامله شده، پسری خواهی زایید و او را عیسی خواهی نامید» (لوقا ۱ : ۳۰ - ۳۱).

«<sup>۳۲</sup>اما چون او در این چیزها تفکر می‌کرد، ناگاه فرشته خداوند در خواب بر وی ظاهر شده، گفت: ای یوسف پسر داوود از گرفتن زن خویش مریم مترس، زیرا که آن چه در وی قرار گرفته است، از روح‌القدس است.<sup>۳۱</sup> و او پسری خواهد زایید و نام او را عیسی خواهی نهاد، زیرا که او امت خویش را از گناهانشان خواهد رها کند» (متی ۱ : ۲۰ - ۲۱).

### نام پدر، عیسی:

نام خداوند عیسی مسیح، پسر یگانه پدر، در حقیقت ظاهر کننده و آشکارساز نام حقیقی پدر آسمانی بود که تا آن زمان هیچ کس از آن خبر نداشت. خود خداوند اعتراف نمود که وجود و نام او، آشکار کننده نام پدر آسمانی بوده است.

«<sup>۴۳</sup>من به اسم پدر خود آمده‌ام و مرا قبول نمی‌کنید، ولی هرگاه دیگری به اسم خود آید، او را قبول خواهید کرد» (یوحنا ۵ : ۴۳).

«اسم تو را به آن مردمانی که از جهان به من عطا کردی ظاهر ساختم. از آن تو بودند و ایشان را به من دادی و کلام تو را نگاه داشتند» ( یوحنا ۱۷ : ۶ ).

«<sup>۱۳</sup>شاخه‌های نخل را گرفته، به استقبال او بیرون آمدند و ندا می‌کردند، هوشیاعانا مبارک باد پادشاه اسرائیل که به اسم خداوند می‌آید» ( یوحنا ۱۲ : ۱۳ ).

### نام روح القدس، عیسی:

شاید بعضیها هنوز این را نمی‌دانند که نام روح القدس نیز "عیسی" است. وقتی در دعا‌های خود نام عیسی را بر زبان می‌آورید، دقیقاً روی صحبتتان با روح القدس نیز هست.

خداوند عیسی مسیح وقتی با شاگردانش صحبت می‌کرد، به نام حقیقی روح القدس اشاره کرد:

«<sup>۲۶</sup>لیکن تسلی دهنده یعنی روح القدس که پدر او را به اسم من می‌فرستد، او همه چیز را به شما تعلیم خواهد داد و آن چه به شما گفتم به یاد شما خواهد آورد» ( یوحنا ۱۴ : ۲۶ ).

## رسولان در نام خداوند عیسی مسیح تعمید می دادند:

تمام رسولان و شاگردان خداوند عیسی مسیح، به هنگام تعمید دادن دیگران فقط در نام "عیسی مسیح" تعمید می دادند. هرگز در کل عهد جدید حتی یک مورد هم یافت نمی شود که کسی در نامی غیر از این، و یا به عنوان "پدر و پسر و روح القدس" غسل تعمید آب داده باشد.

اولین بار پطرس بود که در روز پنطیکاست پرده از این راز مهم برداشت و راه ملکوت آسمان را برای همگان گشود. او به تمام حاضرین به وضوح اعلام کرد که می بایست در نام خداوند عیسی مسیح غسل تعمید آب بگیرند تا بتوانند تعمید روح القدس را دریافت کنند: «<sup>۳۸</sup> پطرس بدیشان گفت: توبه کنید و هر یک از شما به اسم عیسی مسیح به جهت آمرزش گناهان تعمید گیرید و عطای روح القدس را خواهید یافت» (اعمال رسولان ۲: ۳۸). این سخن پطرس کاملاً واضح و روشن بود، مبنی بر این که محال ممکن است تا کسی در نام "عیسی مسیح" تعمید نگیرد، روح القدس را بیابد.

پطرس، بزرگ تمام رسولان و شاگردان بود زیرا علاوه بر این که او رسول خداوند بود، خداوند عیسی مسیح او را به عنوان شبان و معلم کلیسا برای نظارت و رسیدگی به تمام گله خود گمارده بود: «<sup>۱۵</sup> و بعد از غذا خوردن، عیسی به شمعون پطرس گفت: ای شمعون، پسر یونا، آیا مرا بیشتر از اینها محبت می نمایی؟ بدو گفت: بلی خداوندا، تو می دانی که تو را دوست می دارم. بدو گفت: بره های مرا خوراک بده.<sup>۱۶</sup> باز در ثانی به او گفت: ای شمعون، پسر یونا، آیا مرا محبت می نمایی؟ به او گفت: بلی خداوندا، تو می دانی که تو را دوست می دارم. بدو گفت: گوسفندان مرا شبانی کن.<sup>۱۷</sup> مرتبه سوم بدو گفت: ای شمعون، پسر یونا، مرا دوست می داری؟ پطرس محزون گشت، زیرا مرتبه سوم بدو گفت مرا دوست می داری؟ پس به او گفت: خداوندا، تو بر همه چیز واقف هستی. تو می دانی که تو را دوست می دارم. عیسی بدو گفت: گوسفندان مرا خوراک ده» (یوحنا ۲۱: ۱۵ - ۱۷).

اما بعدها خداوند باز بیشتر به او عطا نمود و به او اختیاری بسیار فراتر داد: «<sup>۱۸</sup> و من نیز تو را می‌گویم که تویی پطرس و بر این صخره کلیسای خود را بنا می‌کنم و ابواب جهنم بر آن استیلا نخواهد یافت.<sup>۱۹</sup> و کلیدهای ملکوت آسمان را به تو می‌سپارم؛ و آن چه بر زمین ببندی در آسمان بسته گردد و آن چه در زمین گشایی در آسمان گشاده شود» (متی ۱۶: ۱۸ - ۱۹). حال همین پطرس در خانه کرنیلیوس به اهل خانه او گفت، تا در نام خداوند عیسی مسیح باید تعمید بگیرند: «<sup>۴۸</sup> پس فرمود تا ایشان را به نام عیسی مسیح تعمید دهند. آنگاه از او خواهش نمودند که روزی چند توقف نماید» (اعمال رسولان ۱۰: ۴۸).

پولس، رسول و واعظ و معلم کلیسا، که ظرف برگزیده و از پیش تعیین شده خداوند عیسی مسیح بود تا نام او را نزد امتها شهادت دهد، در جریان این وظیفه خود، به کلیساها آموخت تا فقط در نام خداوند عیسی مسیح می‌بایست غسل تعمید آب بگیرند: «<sup>۱</sup> و چون آپلُس در قرنتُس بود، پوُلُس در نواحی بالا گردش کرده، به افسُس رسید. و در آن جا شاگرد چند یافته،<sup>۲</sup> بدیشان گفت: آیا هنگامی که ایمان آوردید، روح القدس را یافتید؟ به وی گفتند: بلکه نشنیدیم که روح القدس هست!<sup>۳</sup> بدیشان گفت: پس به چه چیز تعمید یافتید؟ گفتند: به تعمید یحیی.<sup>۴</sup> پولس گفت: یحیی البته تعمید توبه می‌داد و به قوم می‌گفت به آن کسی که بعد از من می‌آید ایمان بیاورید، یعنی به مسیح عیسی.<sup>۵</sup> چون این را شنیدند به نام خداوند عیسی تعمید گرفتند» (اعمال رسولان ۱۹: ۱ - ۵).

پولس حتی اشاره نمود که برای تقدیس شدن و سکونت روح القدس در یک ایماندار، می‌بایست در نام خداوند عیسی مسیح غسل تعمید آب گرفت: «<sup>۱۱</sup> و بعضی از شما چنین می‌بودید لیکن غسل یافته و مقدس گردیده و عادل کرده شده‌اید به نام عیسی خداوند و به روح خدای ما» (اول قرنتیان ۶: ۱۱).

## پاسخ به عیب جویان:

شاید برخی از شما خوانندگان عزیز نیز به گوش خود شنیده باشید که بسیاری از معلّمینِ کلیساهای فرقه‌ای، رسولان و شاگردان خداوند عیسی مسیح را به جهت عدم درک و فهم کتاب مقدّسی می‌کوبند، و به آنان نسبت جهالت می‌دهند! در این مجال نمی‌خواهم به این معلّمین کذب و مسیحیان کاذب توضیحی ارائه دهم. چون کتاب مقدّس و خود خداوند عیسی مسیح از پیش محکم‌ترین پاسخ را به این قبیل افرادِ ضد مسیح داده است. خود خداوند عیسی مسیح بارها در کلامش در خصوص رسولان و شاگردانش به حق و راستی سخن گفته. هر که این سخنان خداوند را بشنود و باز چیزی بر ضد آن بگوید، یقیناً ضد مسیح است.

۱- نویسندهٔ انجیل متّی و یوحنا، و تمام رسالات عهد جدید، و کتاب مکاشفهٔ عیسی مسیح، همین رسولان مسیح بودند. پس با توجّه به تعلیم کلیساهای فرقه‌ای این کتابها اشتباه بوده و باید از خود دور کرد. حال می‌ماند دو انجیل مرقس و لوقا و کتاب اعمال رسولان، لوقا نویسندهٔ انجیل لوقا و کتاب اعمال رسولان است، او نیز در کتاب خود بارها مکتوب داشته که غسل تعمید آب می‌بایست در نام خداوند عیسی مسیح انجام شود؛ با این گونه تفسیر آقایان پس انجیل لوقا و کتاب اعمال رسولان را نیز باید از عهد جدید حذف نمود!

حال می‌ماند انجیل مرقس، مرقس نیز در باب ۱۶ انجیل خود اعتراف می‌کند که خداوند عیسی مسیح فرموده: «<sup>۱۵</sup> پس بدیشان گفت: در تمام عالم بروید و جمیع خلائق را به انجیل موعظه کنید.<sup>۱۶</sup> هر که ایمان آورده، تعمید یابد نجات یابد و اما هر که ایمان نیاورد بر او حکم خواهد شد.<sup>۱۷</sup> و این آیات همراه ایمانداران خواهد بود که به نام من دیوها را بیرون کنند و به زبانهای تازه حرف زنند<sup>۱۸</sup> و مارها را بردارند و اگر زهر قاتلی بخورند، ضرری بدیشان نرساند و هرگاه دستها بر مریضان گذارند، شفا خواهند یافت» (مرقس ۱۶ : ۱۵ - ۱۸). چه شد؟ مرقس نیز کلام خداوند را مبنی بر موعظه، تعمید و کلاً هر کاری

را در نام عیسی مسیح، عنوان داشته، لذا انجیل مرقس را نیز باید نادیده گرفت و حذف کرد!

چه شد؟ خیلی جالب شد! حسب آموزهٔ این فرقه‌ها کل عهد جدید را باید حذف کرد، آنان اعتقادی به کتاب مقدس ندارند. چرا؟ چون آنان مذهب خودشان را دارند. آنان خداوند عیسی مسیح را نیز حذف کردند و به بیرون از کلیسای خود انداختند و در را به روی او بسته‌اند، تا عیسی جعلی خودشان را بسازند. آنان تمام آیینهای کتاب مقدسی را دست کاری کردند تا آیینهای دروغین خودشان ( مانند: کریسمس، نیایش مریم و ... ) را جایگزین کنند.

مگر ضد مسیح کیست؟ غیر از آن که، کلام خدا را رد می‌کند؟ ضد مسیح، خود مسیح را رد می‌کند، ضد مسیح رسولان و فرستادگان مسیح را رد می‌کند.

دنیا به انتهای خود نزدیک می‌شود، فرصت برای برگزیدگی رو به اتمام است، عن قریب است تا زمان برای امتها به انتها برسد، پس جای هیچ سازش و مماشات نیست. ضد مسیح کلیسا را متفرق و فرقه فرقه ساخته، ضد مسیح بنیان‌گذار اصلی فرقه‌ها است. همان گونه که خداوند عیسی مسیح در فقر دنیایی خود، فقط یک جامه برای پوشیدن داشت، کلیسای برگزیدهٔ او ( عروس ) نیز می‌باید یک جامه بر تن کند از یک من بخورد، اما ضد مسیح حسب دنیا دوستی خود، جامه‌های بسیار و رنگارنگ برای خود دوخته، پر از زرق و برق و رنگارنگ ( تمام نهادهای کلیسای فرقه‌ای ).

خداوند به این عصر ما هشدار داده: «<sup>۴</sup> و صدایی دیگر از آسمان شنیدم که می‌گفت: ای قوم من از میان او بیرون آیید، مبدا در گناهانش شریک شده، از بلاهایش بهره‌مند شوید.<sup>۵</sup> زیرا گناهانش تا به فلک رسیده و خدا ظلمهایش را به یاد آورده است. بدو رد کنید آن چه را که او داده است و به حسب کارهایش دو چندان بدو جزا دهید و در پیاله‌ای که او آمیخته است، او را دو چندان بیامیزید» ( مکاشفه ۱۸ : ۴ - ۶ ).

از فرقه‌ها خارج شوید و توبه کنید، تا پیش از این که روز غضب خداوند فرا رسد. فرقه‌های ضد مسیح کلام و خود مسیح را قرن‌ها است که رد کردند. عنوان خدای پسر احترام به خداوند نیست بلکه اهانت است، هرگز با کوچک‌تر کردن جایگاه کسی به او احترام گذاشته نخواهد شد. خدای پسر، یعنی صاحب یک سوّم حیات، خدای پدر یعنی صاحب یک سوّم حیات، و خدای روح‌القدس نیز یعنی صاحب یک سوّم حیات. اوه! این یک اهانت است، این یک شرک است، فقط یک صاحب حیات وجود دارد، این صاحب حیات، همان پدر است، همان پسر است، همان روح‌القدس است. این همان خدای قادر مطلق است. رسولان او در کلیسا، تنها وکلای اسرار خداوند هستند. اهانت به فرستادگان، اهانت به خود فرستنده است.

کسی که حتی فقط یک همزه را از کتب مقدّس حذف کند، ضد مسیح است. از میان فرقه‌ها و تعالیم ضد مسیح خارج شوید، شاید این آخرین بیانیه برای خروج و آزادی باشد.

۲- خداوند در خطاب به شاگردانش، مبنی بر این که چرا به قوم به مثلها صحبت می‌کند، ولی با شاگردان آشکارا حرف می‌زند، گفت: «<sup>۱۱</sup>در جواب ایشان گفت: دانستن اسرار ملکوت آسمان به شما عطا شده است، لیکن بدیشان عطا نشده» (متی ۱۳: ۱۱). مسیح این حرف را در جمع رسولانش و به آنان زد. او آنان را شایسته دانستن اسرار ملکوت آسمان دانست. بعد از آن دوازده تن نیز، همیشه خداوند با رسولان دیگرش همان گونه بوده و هست؛ و این رسولان او هستند که اسرار ملکوت آسمان برایشان مکشوف می‌شود.

خداوند هرگز برای این منظور به سمت الهیدانان نرفت. او هرگز افرادی مانند غمالائیل و نیقودیموس را برنگزید. او حکمت حکیمان را باطل اعلام نمود. از حکمت آنان پرهیز کنید که رد شده خداوند است. امروز نیز همین گونه است، شما هرگز هیچ راز آسمانی را از هیچ الهیدانی نخواهید شنید. پولس رسول نیز شهادت می‌دهد که: «هر کس ما را چون خدّام مسیح و وکلای اسرار خدا بشمارد» (اول قرنتیان ۴: ۱).

۳- شاگردان و رسولان مسیح حتی پیش از روز پنطیکاست و تعمید روح القدس، مکاشفات آسمانی دریافت می کردند: «<sup>۱۷</sup> عیسی در جواب وی گفت: خوشا به حال تو ای شمعون بن یونا! زیرا جسم و خون این را بر تو کشف نکرده، بلکه پدر من که در آسمان است.<sup>۱۸</sup> و من نیز تو را می گویم که تویی پطرس و بر این صخره کلیسای خود را بنا می کنم و ابواب جهنم بر آن استیلا نخواهد یافت.<sup>۱۹</sup> و کلیدهای ملکوت آسمان را به تو می سپارم؛ و آن چه بر زمین ببندی در آسمان بسته گردد و آن چه در زمین گشایی در آسمان گشاده شود» (متی ۱۶ : ۱۷ - ۱۹).

مسیح این سخن را پیش از مصلوب شدن به پطرس گفته بود. خوب به نکات این آیات دقت کنید:

(۱) پطرس دریافت کننده مکاشفه ای از سوی پدر از آسمان بود؛ مکاشفه آسمانی هیچگاه خطا نمی کند و به هر کسی نیز داده نمی شود.

(۲) نام او پطرس شد به معنی سنگ، سنگی که بر صخره (عیسی - مکاشفه) بنا شده، و هرگز ابواب جهنم و شیطان نمی تواند بر او تسلط یابد. یعنی او هرگز تعلیم اشتباه نخواهد داد.

(۳) او کلیددار ملکوت آسمان شد، او این کلید را مستقیماً از خداوند گرفت. پطرس از این کلید یک بار استفاده کرد و راه آسمان را برای همیشه برای همگان گشود. می دانید چه وقت؟ وقتی که در روز پنطیکاست به همه ماتمیان گفت که می بایست توبه کنند و در نام خداوند عیسی مسیح تعمید بگیرند و روح القدس را دریافت کنند: «<sup>۳۷</sup> چون شنیدند دلریش گشته، به پطرس و سایر رسولان گفتند: ای برادران چه کنیم؟<sup>۳۸</sup> پطرس بدیشان گفت: توبه کنید و هر یک از شما به اسم عیسی مسیح به جهت آمرزش گناهان تعمید گیرید و عطای روح القدس را خواهید یافت» (اعمال رسولان ۲ : ۳۷ - ۳۸).

حال او که چنین جایگاه و اختیاری از خداوند گرفته، آیا امکان دارد فاقد فهم و درک کتاب مقدّسی باشد؟!

۴- پطرس قبل از عروج خداوند به آسمان و قبل از رسیدن پنتیکاست دو حکم دیگر از خداوند دریافت نمود، به عنوان معلّم و شبان. خداوند این وظیفه را به طور خاص به پطرس داد. این نشان از اعتماد بسیار زیاد خداوند به او دارد. او می‌بایست به تمام کلیساها خوراک ( تعلیم ) می‌داد. او می‌بایست کل کلیسا را رهبری و هدایت ( شبانی ) می‌کرد. پس او محال ممکن بود اشتباه کند.

«<sup>۱۵</sup> و بعد از غذا خوردن، عیسی به شمعون پطرس گفت: ای شمعون، پسر یونا، آیا مرا بیشتر از اینها محبّت می‌نمایی؟ بدو گفت: بلی خداوندا، تو می‌دانی که تو را دوست می‌دارم. بدو گفت: برّه‌های مرا خوراک بده.<sup>۱۶</sup> باز در ثانی به او گفت، ای شمعون، پسر یونا، آیا مرا محبّت می‌نمایی؟ به او گفت: بلی خداوندا، تو می‌دانی که تو را دوست می‌دارم. بدو گفت: گوسفندان مرا شبانی کن.<sup>۱۷</sup> مرتبّه سوّم بدو گفت: ای شمعون، پسر یونا، مرا دوست می‌داری؟ پطرس محزون گشت، زیرا مرتبّه سوّم بدو گفت مرا دوست می‌داری؟ پس به او گفت: خداوندا، تو بر همه چیز واقف هستی. تو می‌دانی که تو را دوست می‌دارم. عیسی بدو گفت: گوسفندان مرا خوراک ده» ( یوحنا ۲۱ : ۱۵ - ۱۷ ).

۵- خداوند عیسی مسیح قبل از عروج به آسمان و فرا رسیدن روز پنتیکاست، ذهن رسولان و شاگردانش را گشود تا کتب را بفهمند: «<sup>۴۴</sup> و به ایشان گفت: همین است سخنانی که وقتی با شما بودم گفتم ضروری است که آن چه در تورات موسی و صحف انبیا و زبور درباره من مکتوب است به انجام رسد.<sup>۴۵</sup> و در آن وقت ذهن ایشان را روشن کرد تا کتب را بفهمند» ( لوقا ۲۴ : ۴۴ - ۴۵ ).

ظاهراً الهیدانان در فرقه‌ها، یا کتاب مقدّس را اصلاً نمی‌خوانند و یا آن مدّعی برادران چنان چشمشان را کور گردانیده که حقایق را نبینند! بسیار عجیب است که هرگز

این آیه را ندیده باشند! در هر صورت هر کدام که باشد، آخرِ نظراتشان جز بی‌آبرویی برای آنها و تشکلات فرقه‌ایشان ندارد.

۶- شهادت رسولان را به راحتی رد می‌کنند و عملاً بر ضد کلام خدا شورش می‌کنند، و حال آن که خود خداوند رسولان و شاگردانش را به عنوان شاهدان خود در تمام امور معرفی کرده: «<sup>۴۸</sup> و شما شاهد بر این امور هستید.<sup>۴۹</sup> و اینک من موعود پدر خود را بر شما می‌فرستم. پس شما در شهر اورشلیم بمانید تا وقتی که به قوت از اعلی آراسته شوید» ( لوقا ۲۴ : ۴۸ - ۴۹ ).

آنان قرار بود تا در اورشلیم بمانند، که به تمام قوت از اعلی آراسته شوند. این اتفاق در روز پنطیکاست افتاد و تمام شهادتهایی که آنها دادند، مربوط به پس از روز پنطیکاست است. حال ما در یک طرف شهادتهای بسیاری از خود خداوند عیسی مسیح داریم در تأیید و اعتبار کامل و آسمانی رسولان و شاگردانش؛ و در سوی مخالف نظر صریح و قاطع الهیدانان و کلیساهای فرقه شده را بر ضد تأییدات خداوند عیسی مسیح و رسولان و شاگردانش. کاری با ضد مسیح نداریم، تکلیف او روشن است. اما خطاب به شما خواننده عزیز این کتاب، ببینید در کدام سمت ایستاده‌اید؟! اگر خود را مسیحی می‌دانید، فقط در کلام او بمانید، از آن منحرف نشوید: «<sup>۳۱</sup> پس عیسی به یهودیانی که بدو ایمان آوردند، گفت: اگر شما در کلام من بمانید، فی‌الحقیقه شاگرد من خواهید شد،<sup>۳۲</sup> و حق را خواهید شناخت و حق شما را آزاد خواهد کرد» ( یوحنا ۸ : ۳۱ - ۳۲ ).

فیض، برکت، سلامتی و مشارکت روح‌القدس با فرزندان خدای پدر باد، در نام خداوند عیسی مسیح، آمین.

**غلام خداوند عیسی مسیح: لوک رایان**